

جلسه ۱۸۴

صورت مذاکرات روز شنبه سلخ شهر

ذی قعدة الحرام ۱۳۲۸

مجلس ۲ ساعت در ربع قبل از غروب آفتاب بریاست آقای ذکاء الملك تشکیل شد و صورت جلسه روز ه شنبه را آقای معاضد الملك قرائت نمود .

فائین جلسه قیل :

آقایان - ممتازالدوله ، معین الرعایا ، آقامیرزا اسدالله خان ، دهخدا ، حاج امام جمعه با اجازه غایب بودند .

سپهدار اعظم ، سردار اسعد ، مستشارالدوله بدون اجازه .

آقا شیخ محمد حسین یزدی ، دکتر علیخان ، آقا شیخ محمد خیابانی ، تربیت ، دکتر امیر خان معتمد التجار ، شیبانی ، دکتر اسمعیل خان ، محمد هاشم میرزا ، افتخار الواعظین ، آقا سید حسین کزازی ، حاج آقا ، بهجت ، آقا سید محمد باقر ادیب ، حاج محمد صادق ، بوقت مقرر حاضر نشده اند .

رئیس - در باب صورت مجلس ملاحظاتی هست بفرمائید .

سلیمان میرزا - بنده گمان میکنم که

صورت مجلس برای اینکه هر چیزی در مجلس واقع می شود لاقول اشاره بآن بشود در آن جلسه آقای یوسف خان میرزا یانس پس از قسم شرح مثبتی از مقاصد خودشان که از روی يك مسلك مستقیم انتخاب شده بودند بیان فرمودند و این اول روزی است که یک نفر از روی يك مسلك مستقیم که انتخاب شده است از روی پروگرام مستقیم بر تمام عالم پروگرام خود را اظهار کرده و یک ساعت نطق کرده است و در نقطه مرکزی مسلك خودش جایگیر شده است و مثل ما دوهم و برهم ننشسته است پس خوب است لاقول اگر تفصیلاً هم نیست مجمل یک اشاره شده باشد بجهت آنکه يك ساعت اینجا اظهارات فرمودند چون دیگر اظهاری نشد رئیس صورت مجلس را امضاء نمود تلگراف اردبیل قرائت شد - تلگراف اردبیل .

مقام مقدس دارالشورای کبری ملی شیدالله ارکانه در انجمن محترم دستخط مبارك حضرت حضرات آیت الله مد ظله العالی را زیارت کرده از ارائه واحکام حضرات آیت الله مسبوق شدیم اگر سابقاً از جوانان نادانهای این چاکران سرحد نشین دولت بعضی حرکات ناشایسته سر زده حال مدتی است با آقای رشید الملك سردار حکمران خودمان بکلام الله مجید قسم یاد کرده ایم که بهیچوجه از حکم اولیای دولت و اطاعت حکومت تهر نمانیم و در اجرای احکامات دولت جان نثاری نمائیم تاچه رسد با حکام حضرات حجج اسلام از فرایض مذهبی است ما طوایف شاهسون تاجان در بدن داریم راضی نخواهیم شد دول ه سابه بهیچوجه مداخله بامورات دولت علیه ایران بنمایند برای هر قبیل دفاع و جانفشانی حاضریم منتظر امر (رشید الملك شاطراندلو) .

سردار خان قوچه پکلو - لطف الله خان پورتچی - عالیشان بیک قوچه پکلو - بابائی بیک طالش - میکائیل و موسی بیک قوچه پکلو - کریم الله بیک قوچه پکلو - یوسف خان قوچه پکلو - حمزه الله یاری خان - بابابیک - آلاری - حمید بیک آلاری - عزت بیک آلاری - بدل بیک

کدخدای زرگر - فولادخان قوچه پکلو - محمد بیک - پیرایوت لو - آقابالا بیک خامس لو - شهریار بیک خامس لو - محمد قلی خان فولادلو - رضاعلی بیک مغان لو - نعمت الله بیک کیکلو - عبادالله بیک کیکلو - غلامرضای بیک درچلو - احمد خان حاجی خواجه لو - حاج حضرت قلی حاجی - خواجه لو - جوادخان حاجی خواجه لو - حاج عبادالله آجرلو - حاجی جهانگیر میری ادیمان - رئیس ایلات - سالارموقر - امیدوارم که نوعی که معروض داشته در سر امتحان حاضر خدمت و تلافی ایام سلف را بنمایند (خادم جراید معاون التجار) .

شیبانی - در مسئله کاشان و امنیت آنجا خواستم در موقعیکه آقایان وزراء هستند بمضی عرایضی بکنم که ادای تکلیف کرده باشم زیرا که هر چند مطالبی را که از پیش در باب کاشان در خارج یا در اطاق بوزراء عرض کردم گمان میکنم که التفاتی نشد و مسائل ناگواری اتفاق افتاده است که اهمیتی بآن نداده نشد که پیش گوئیهها و تمام آنچه را که اطلاع داشتیم عرض کردم طوری شد که اسباب پشیمانی فوق العاده برای دولت واقع شد در باره کاشان که هیچکس منتظر آن نبود و کار خیلی سهل بود - حالا مخصوصاً استدعا میکنم وزراء را در يك موقعی اطلاع بدهید که بنده اظهارات خودم را عرض بکنم اگر فایده کرد و جلو گیری میکنند فبها و الا برای اتمام حجت عرایض خودم را عرض کرده باشم .

حاج آقا - مدتی است کمیسیون پروگرام تشکیل شده و بآن جدوجهدی که نمایندگان داشته اند و آن مسلکی را که اظهار میکردند و اهمیتی که باین مطلب میدادند که واقفاً يك اساس مملکتی است برای استقرار این دولت بدبختانه با اینکه چندین مرتبه یاد آوری شده بنده می بینم هنوز هیچ نتیجه ای بمجلس نیامده است اگر چه بنده از خارج مطلع شده ام که ترتیبات راجعه به عدلیه گذشته است ولی منتظرند که ترتیبات سایر وزارتخانه ها تمام شود و يك دفعه بمجلس بیاید ولی از قراریکه متبیین میشود و اعضای کمیسیون اظهار میدارند درست کار نمیگردد و بعضی از اجزاء کمیسیون حاضر نمیشوند بنده خیلی تعجب دارم با اینکه اظهار اشتیاق و حرارت از تمام و کلا می شد و اعضای کمیسیون اظهار اهتمام می کردند و بیشتر از همه چیز اهمیت می دادند چطور شده است که حالا بعضی از اجزاء مسامحه میکنند در آمدن و کارها مانده است و باندازه سهم خودم خواهش می کنم که این مقداریکه گذشته است بمجلس بیاید و تا آنهای دیگر که می آید اینها تمام شود و رأی گرفته شود و استدعا می کنم از اعضائیکه مسامحه و مضایقه دارند که بهتر مشغول کار باشند و زودتر تشریف بیاورند و به مسامحه نگذرانند این يك مطلب مطلب دیگر این بود که آنروز بنا بود وزراء روز پنجشنبه بیایند و نیامدند و آنروز که استدعا شد بیایند نیامدند اطلاع داده شده است و نیامده اند با اطلاع داده نشده است اگر اطلاع داده نشده خوب است آقای رئیس صبیح را بفرمایند و اگر اطلاع داده شده و نیامده اند اطلاع بدهند که بیایند .

معزز الملك - من در آن کمیسیون بودم و سابق براین یکی از نمایندگان در این باب استوالی کردند و حالا هم حاج آقا استوالمی فرمایند متأسفانه وقت این کمیسیون مهادف شده است و یکی دو کمیسیون دیگر بواسطه داشتن کار در سایر کمیسیونها

نمی توانند حاضر شوند چنانچه شاهزاده حسین خان میرزا عضو کمیسیون تقشیش نان هستند یکی دونفر هم از اعضاء که چند جلسه تشریف نیاوردند و گویا کسالتی داشتند من جمله آقای مستشارالدوله که امروز تشریف آوردند و آقای وثوق الدوله را بواسطه اطلاعاتی که داشته است دعوت کرده و آقای صنیع الدوله را هم دعوت کرده و چنانچه هم سابق عرض کردم هفته چهار روز این کمیسیون منعقد می شود و مشغول مذاکره می شوند حالا آقایان مایل باشند که آنچه راجع با اصلاحاتی است که در خصوص عدلیه شده است بیاید بمجلس آن بسته برآی مجلس است ولی اگر يك مرتبه آن پروگرام بیاید بمجلس بهتر بود شروع به شور در بقیه قانون محاسبات شد .

ماده ۲۰ لایحه وزیر به عبارت ذیل قرائت شد ماده ۲۰ - مواجب اعضاء مذکور در ماده (۲۰) در فهرستی که ضمیمه این قانون است معین میباشد حقوق سایر اجزاء و مستخدمین دیوان محاسبات از رری نظامنامه داخلی خود دیوان محاسبات معین خواهد شد .

کمیسیون این طور پیشنهاد کرده بود ماده ۲۱ - مواجب اعضاء دیوان محاسبات و دفتر دارکل و مدعی العموم در فهرستیکه ضمیمه این قانون است معین می شود حقوق سایر اجزاء و مستخدمین دیوان محاسبات که عده آنها در نظامنامه داخلی معین می شود همه ساله جزو بودجه وزارت مالیه بمجلس پیشنهاد می شود .

حاج سید ابراهیم - گویا مقصودشان از آن چیزیکه ضمیمه این قانون می کنند این است که مراتب و درجات این اعضاء را در جزو ضمیمه معین بکنند ولی حقوق و مواجب اینها را که در آن ذکر کرده اند بحسب دلالتی که عبارت دارد جزء بودجه وزارت مالیه نکردن هیچ وجه ندارد و بعلاوه دفتر دار کل و مدعی العموم جزء اعضاء نیستند و باید مواجب آنها را جزء بودجه کنند پس آن عبارت که در اینجا نوشته شده است صحیح نیست طوری باید نوشت که تمام حقوق اجزای دیوان محاسبات جزو بودجه وزارت مالیه بیاید منافاتی هم ندارد با آنچه در ضمیمه قانون معین می کند و اما اینکه رئیس آن مساوی با رئیس فلان محکمه است یا خیر این مستلزم این نیست که بودجه آنرا از اینجا خارج بکنند .

فهییم الملك - مقصود این نیست که از بودجه وزارت مالیه پیشنهاد شود ولی اجزای دیوان محاسبات را اگر تصور بفرمائید که بتوان مثل اجزاء مستخدمین ادارات دولتی از برایشان يك حقوق معین کرد این ممکن نیست زیرا مستخدمین سایر ادارات يك ترتیبی دارند که بعد از چند سال ارتقا رتبه پیدا میکنند ولی اعضای دیوان محاسبات پنج سال بیشتر نخواهند بود و برای آنها نمی توان يك درجه و رتبه معین کرد لابد موافق قانونی که مجلس از برای آنها معین میکند با آنها رفتار میشود ولی اینکه نوشته میشود مقصود همین قسمت اخیر نیست یعنی مواجب اجزاء که پیشنهاد میشود همه ساله بوزارت مالیه پیشنهاد می شود .

حاج سید ابراهیم - اینکه فرمودند بیان

مقصود است و خوب است ولی عبارت وافی براد نیست اینجامینوسید [حقوق سایر اجزاء مستخدمین دیوان محاسبات از روی نظامنامه داخلی خود دیوان محاسبات معین خواهد شد] یعنی حقوق سایر اجزاء اما دیگر ندارد که موجب اعضاء و حقوق مستخدمین اگر مقصودشان این است که موجب اعضاء هم در ضمن این بودجه باشد دخلی باین عبارت ندارد پس خوب است در اینصورت عبارت را طوری بنویسند که این معنی را بفهماند.

رئیس - ماده اصلاح شده قرائت میشود. ماده اصلاح شده قرائت شد.

رئیس - رأی میگیریم به ماده اصلاح شده کسانیکه موافقت قیام نمایند تصویب شد.

ماده ۲۱ - پیشنهادی وزیر مالیه باین مضمون قرائت شد.

ماده ۲۱ - برای ریاست کل و ریاست محاکم و مدعی العموم سن ۳۰ سالگی و برای مستشاران و دفتر دار کل و منشی باشی و میزین درجه اول سن بیست و پنج سال و برای میزین درجه ثانی لااقل سن ۲۳ سالگی لازم است کمیسیون بدین طریق پیشنهاد کرده بود.

ماده ۲۲ - برای ریاست کل سن چهل و برای ریاست محاکم و سایر اعضاء افلا سن سی لازم است.

حاج سید ابراهیم - بیشتر هم مذاکره شد که شرایطی که از برای اعضاء دیوان محاسبات باشد باید معین باشد پس خوب است این ماده بر گردد بکمیسیون و قرار آن گذاشته شود.

فهییم الملک - برای سایر شرایطیکه مذاکره شد در کمیسیون مذاکره شد یک در ماده اضافه شود لازم نیست تمام شرایط در ضمن یک ماده باشد در یک ماده یک شرایطی هست در ماده دیگر شرایط دیگر خواهد بود. پیشنهاد آقای افتخار الواعظین در این مضمون ذیل خوانده شد این بنده پیشنهاد میکنم در ماده ۲۲ برای رئیس کل بماده سن شرایط دیلید بشود.

ماده مزبوره بانضمام پیشنهاد ها رجوع به کمیسیون شد.

ماده الحاقی ماده ۲۳ - هر يك از اعضاءکه مستعفی یا متوفی میشود عوض آنها را بترتیبی که در ماده ۱۲ ذکر شده مجلس شورای ملی انتخاب می نماید ابتدای خدمت اعضاییکه بجای اعضاء مستعفی یا متوفی یا معزول انتخاب میشود ارتباطی تاریخ انتخاب عضو متوفی یا معزول حساب میشود.

دکتر علی خان - این رادر ماده ۲۲ نوشته بودیم مسأله را چه به عزل اعضاء دیوان محاسبات بتقاضی وزیر مالیه الخ و بعد آن عضو را به معزول خواهد شد اینجابنده عرض میکنم که بنویسند که هر يك از اعضاءکه مستعفی یا عزل میشود در آخر ماده هست که معزول میشود پس خوب است در اول ماده هم باشد که معلوم شود.

سلیمان میرزا - بنده پیشنهاد کرده ام و حالا هم عرض میکنم باید معین شود منتهی وقتی که مجلس میتواند او را انتخاب کند زیرا که ما می بینیم از بابت کسر و کلاه که چون نظامنامه داخلی قید نکرده که ما تا چه وقت باید انتخاب کنیم سه ماه میگذرد و ما او را انتخاب نکرده ایم بجهت اینکه يك حدی معین نشده و بنا بر این هر وقتیکه خواستیم انتخاب میکنیم بنده يك پیشنهادی میکنم و عقیده ام اینست که بعد از انقضای این مدت مجازات داشته

فهییم الملک - بنده علت رأی ندادن را بنهیدم ولی نقض میکنم حاج که بل دارند بر گردد به کمیسیون.

ماده مزبوره بانضمام پیشنهاد ها رجوع به کمیسیون شد.

ماده الحاقی ماده ۲۳ - هر يك از اعضاءکه مستعفی یا متوفی میشود عوض آنها را بترتیبی که در ماده ۱۲ ذکر شده مجلس شورای ملی انتخاب می نماید ابتدای خدمت اعضاییکه بجای اعضاء مستعفی یا متوفی یا معزول انتخاب میشود ارتباطی تاریخ انتخاب عضو متوفی یا معزول حساب میشود.

دکتر علی خان - این رادر ماده ۲۲ نوشته بودیم مسأله را چه به عزل اعضاء دیوان محاسبات بتقاضی وزیر مالیه الخ و بعد آن عضو را به معزول خواهد شد اینجابنده عرض میکنم که بنویسند که هر يك از اعضاءکه مستعفی یا عزل میشود در آخر ماده هست که معزول میشود پس خوب است در اول ماده هم باشد که معلوم شود.

سلیمان میرزا - بنده پیشنهاد کرده ام و حالا هم عرض میکنم باید معین شود منتهی وقتی که مجلس میتواند او را انتخاب کند زیرا که ما می بینیم از بابت کسر و کلاه که چون نظامنامه داخلی قید نکرده که ما تا چه وقت باید انتخاب کنیم سه ماه میگذرد و ما او را انتخاب نکرده ایم بجهت اینکه يك حدی معین نشده و بنا بر این هر وقتیکه خواستیم انتخاب میکنیم بنده يك پیشنهادی میکنم و عقیده ام اینست که بعد از انقضای این مدت مجازات داشته

فهییم الملک - بنده علت رأی ندادن را بنهیدم ولی نقض میکنم حاج که بل دارند بر گردد به کمیسیون.

ماده مزبوره بانضمام پیشنهاد ها رجوع به کمیسیون شد.

که برای آن شرایط یکی دو ماده وضع شده است در کمیسیون اینهم بر گردد بکمیسیون که يك یا دو ماده باشد آتجام اصلاح شود اگر يك ماده باشد طوری که می خواهند بنویسند بیاورند

فهییم الملک - شرایط دیگری که ذکر می شود باید به مجلس بیاید عجلتاً يك ماده فرستاده می توان رأی داد کمیسیون دو ماده دیگر را هم مطرح میکنند حالا برای يك شرطی تا امروز رأی ندهیم و مربوط بسایر شروط کنیم حسنی ندارد

حاج شیخعلی خراسانی - اگر این ماده بر میگردد بکمیسیون لازم است اینکه این نکته را هم بنده عرض کنم که این نوشته است سن رئیس کل چهل و رؤسای محاکم سی و اینهم اسباب اشکال خواهد شد برای آنکه هر گاه رئیس کل حاضر نباشد یکی از اعضاء سایر محاکم قائم مقام او خواهد شد آنوقت يك معذور قانونی خواهد داشت و آن این است که رئیس محاکم سی سال خواهد داشت و قائم مقام رئیس کل و انقض خواهد شد.

معززالملک - اگر این ماده بر میگردد بنده عرضی ندم ولی اینکه مخبر می فرمایند بگذرد بنده در این موافق نیستم بجهت اینکه يك ماده راجع بشرایط عضویت اعضاء دیوان محاسبات است و این شرایط خوب است در يك ماده گنجانده شود و اگر این مسئله را می خواهند در مجلس مذاکره شود آن مطلبی است که شرایط دیگری می خواهند برای این کار معین کنند که خوب است اینهم بر گردد به کمیسیون و نمیشود در این ماده رأی گرفت و در سایر مواد يك مرتبه دیگر نباید رأی بدهیم.

فهییم الملک - بنده علت رأی ندادن را بنهیدم ولی نقض میکنم حاج که بل دارند بر گردد به کمیسیون.

ماده مزبوره بانضمام پیشنهاد ها رجوع به کمیسیون شد.

ماده الحاقی ماده ۲۳ - هر يك از اعضاءکه مستعفی یا متوفی میشود عوض آنها را بترتیبی که در ماده ۱۲ ذکر شده مجلس شورای ملی انتخاب می نماید ابتدای خدمت اعضاییکه بجای اعضاء مستعفی یا متوفی یا معزول انتخاب میشود ارتباطی تاریخ انتخاب عضو متوفی یا معزول حساب میشود.

دکتر علی خان - این رادر ماده ۲۲ نوشته بودیم مسأله را چه به عزل اعضاء دیوان محاسبات بتقاضی وزیر مالیه الخ و بعد آن عضو را به معزول خواهد شد اینجابنده عرض میکنم که بنویسند که هر يك از اعضاءکه مستعفی یا عزل میشود در آخر ماده هست که معزول میشود پس خوب است در اول ماده هم باشد که معلوم شود.

سلیمان میرزا - بنده پیشنهاد کرده ام و حالا هم عرض میکنم باید معین شود منتهی وقتی که مجلس میتواند او را انتخاب کند زیرا که ما می بینیم از بابت کسر و کلاه که چون نظامنامه داخلی قید نکرده که ما تا چه وقت باید انتخاب کنیم سه ماه میگذرد و ما او را انتخاب نکرده ایم بجهت اینکه يك حدی معین نشده و بنا بر این هر وقتیکه خواستیم انتخاب میکنیم بنده يك پیشنهادی میکنم و عقیده ام اینست که بعد از انقضای این مدت مجازات داشته

فهییم الملک - بنده علت رأی ندادن را بنهیدم ولی نقض میکنم حاج که بل دارند بر گردد به کمیسیون.

ماده مزبوره بانضمام پیشنهاد ها رجوع به کمیسیون شد.

ماده الحاقی ماده ۲۳ - هر يك از اعضاءکه مستعفی یا متوفی میشود عوض آنها را بترتیبی که در ماده ۱۲ ذکر شده مجلس شورای ملی انتخاب می نماید ابتدای خدمت اعضاییکه بجای اعضاء مستعفی یا متوفی یا معزول انتخاب میشود ارتباطی تاریخ انتخاب عضو متوفی یا معزول حساب میشود.

دکتر علی خان - این رادر ماده ۲۲ نوشته بودیم مسأله را چه به عزل اعضاء دیوان محاسبات بتقاضی وزیر مالیه الخ و بعد آن عضو را به معزول خواهد شد اینجابنده عرض میکنم که بنویسند که هر يك از اعضاءکه مستعفی یا عزل میشود در آخر ماده هست که معزول میشود پس خوب است در اول ماده هم باشد که معلوم شود.

سلیمان میرزا - بنده پیشنهاد کرده ام و حالا هم عرض میکنم باید معین شود منتهی وقتی که مجلس میتواند او را انتخاب کند زیرا که ما می بینیم از بابت کسر و کلاه که چون نظامنامه داخلی قید نکرده که ما تا چه وقت باید انتخاب کنیم سه ماه میگذرد و ما او را انتخاب نکرده ایم بجهت اینکه يك حدی معین نشده و بنا بر این هر وقتیکه خواستیم انتخاب میکنیم بنده يك پیشنهادی میکنم و عقیده ام اینست که بعد از انقضای این مدت مجازات داشته

فهییم الملک - بنده علت رأی ندادن را بنهیدم ولی نقض میکنم حاج که بل دارند بر گردد به کمیسیون.

ماده مزبوره بانضمام پیشنهاد ها رجوع به کمیسیون شد.

ماده الحاقی ماده ۲۳ - هر يك از اعضاءکه مستعفی یا متوفی میشود عوض آنها را بترتیبی که در ماده ۱۲ ذکر شده مجلس شورای ملی انتخاب می نماید ابتدای خدمت اعضاییکه بجای اعضاء مستعفی یا متوفی یا معزول انتخاب میشود ارتباطی تاریخ انتخاب عضو متوفی یا معزول حساب میشود.

دکتر علی خان - این رادر ماده ۲۲ نوشته بودیم مسأله را چه به عزل اعضاء دیوان محاسبات بتقاضی وزیر مالیه الخ و بعد آن عضو را به معزول خواهد شد اینجابنده عرض میکنم که بنویسند که هر يك از اعضاءکه مستعفی یا عزل میشود در آخر ماده هست که معزول میشود پس خوب است در اول ماده هم باشد که معلوم شود.

سلیمان میرزا - بنده پیشنهاد کرده ام و حالا هم عرض میکنم باید معین شود منتهی وقتی که مجلس میتواند او را انتخاب کند زیرا که ما می بینیم از بابت کسر و کلاه که چون نظامنامه داخلی قید نکرده که ما تا چه وقت باید انتخاب کنیم سه ماه میگذرد و ما او را انتخاب نکرده ایم بجهت اینکه يك حدی معین نشده و بنا بر این هر وقتیکه خواستیم انتخاب میکنیم بنده يك پیشنهادی میکنم و عقیده ام اینست که بعد از انقضای این مدت مجازات داشته

فهییم الملک - بنده علت رأی ندادن را بنهیدم ولی نقض میکنم حاج که بل دارند بر گردد به کمیسیون.

ماده مزبوره بانضمام پیشنهاد ها رجوع به کمیسیون شد.

ماده الحاقی ماده ۲۳ - هر يك از اعضاءکه مستعفی یا متوفی میشود عوض آنها را بترتیبی که در ماده ۱۲ ذکر شده مجلس شورای ملی انتخاب می نماید ابتدای خدمت اعضاییکه بجای اعضاء مستعفی یا متوفی یا معزول انتخاب میشود ارتباطی تاریخ انتخاب عضو متوفی یا معزول حساب میشود.

دکتر علی خان - این رادر ماده ۲۲ نوشته بودیم مسأله را چه به عزل اعضاء دیوان محاسبات بتقاضی وزیر مالیه الخ و بعد آن عضو را به معزول خواهد شد اینجابنده عرض میکنم که بنویسند که هر يك از اعضاءکه مستعفی یا عزل میشود در آخر ماده هست که معزول میشود پس خوب است در اول ماده هم باشد که معلوم شود.

این است که باید در این خصوص يك حدی معین کرد و بنظر بنده منتهی در ظرف يك ماه که مجلس در ظرف این مدت انتخاب بکند و مانند مثل سایر چیزها که دو ماه سه ماه چهار ماه و شش ماه و هفت ماه عقب بیفتد و کار ناقص بماند.

دکتر علی خان - بنده در این پیشنهاد خواستم همین قدر عرض کنم که ممکن است وقتی که مجلس تعطیل شد يك عضو مستعفی یا معزول یا متوفی شود پس خوب است در آنجا معین کنند که تکلیف این است که بعد از انعقاد انتخاب شود.

بجهت - این فرمایشی را که حضرت والا فرمودند و پیشنهاد میکنند بعهده بنده هیچ لزوم ندارد بجهت اینکه لازم است که مجلس همیشه هوشیاری داشته باشد تا بجا بیاید واقع شود و اگر مجلس شورای ملی منعقد نباشد در ماه اول انعقاد باید انتخاب شود.

ارباب کیخسرو - اول در راپورت کمیسیون باید رأی گرفته شود بعد در این اصلاحی که شده است

فهییم الملک - اول این مطلب را که منتهی انتخاب در ظرف يك ماه بعمل می آید رأی بگیرد اگر قابل توجه شد آنوقت در ماده رأی بگیرد.

رئیس - اول رأی می گیریم در پیشنهاد شاهزاده سلیمان میرزا که انتخاب در ظرف يك ماه بعمل بیاید کسانی که تصویب می کنند قیام نمایند [پیشنهاد مزبور رد شد].

مجدداً ماده با اضافه لفظ معزول قرائت شد باین عبارت:

هر يك از اعضاء که مستعفی یا معزول یا متوفی می شوند عوض آنها بترتیبی که در ماده ۱۲ ذکر شد مجلس شورای ملی انتخاب می نماید ابتدای خدمت اعضایی که بجای اعضاء مستعفی یا متوفی یا معزول حساب میشود.

رئیس - رأی می گیریم باصل ماده ۲۲ کمیسیون بطریق که خوانده شد کسانیکه موافقت قیام نمایند (اغلب قیام نمودند و با کثرت تصویب شد)

مرتضی قلی خان - چهار ماده است که در کمیسیون از پیشنهاد وزیر حذف کرده اند بدین طریق:

مواد ۲۲ و ۲۳ و ۲۴ و ۲۵ از لایحه وزیر حذف شد زیرا هیئتی که اعضاء آن انتخاب میشوند و مدت معینی در سر کار خواهند بود نمی توانند ترفیع رتبه حاصل نمایند.

ماده ۲۶ لایحه وزیر بمضمون ذیل خوانده شد **ماده ۲۷** - هر ساله رئیس کل دوفرا از مستشاران هر محکمه را بترتیب قرعه به محکمه دیگر انتقال خواهد داد بطوری که چهار نفر معین بیش از يك سال در محکمه نمانند کمیسیون به عبارتی که ذیلا درج می شود پیشنهاد کرده بود.

ماده ۲۸ - هر ساله رئیس کل مستشاران هر محکمه را به محکمه دیگر انتقال خواهد داد که بیش از يكسال در يك محکمه نمانند.

فهییم الملک - اینجا بیش از يكسال را باید نوشت بیش از دو سال متوالی در يك محکمه نمانند.

معاضد الملک - عرض بنده راجع است به مواد قبل اینجا کمیسیون چهار ماده از لایحه وزیر

باید رأی گرفت اگر تصویب شد آنوقت باید الحاق شود **حاج شیخ اسدالله -** این تعیین مدت برای اینست که بعد از انقضای این مدت مجازات داشته

باید رأی گرفت اگر تصویب شد آنوقت باید الحاق شود **حاج شیخ اسدالله -** این تعیین مدت برای اینست که بعد از انقضای این مدت مجازات داشته

باید رأی گرفت اگر تصویب شد آنوقت باید الحاق شود **حاج شیخ اسدالله -** این تعیین مدت برای اینست که بعد از انقضای این مدت مجازات داشته

باید رأی گرفت اگر تصویب شد آنوقت باید الحاق شود **حاج شیخ اسدالله -** این تعیین مدت برای اینست که بعد از انقضای این مدت مجازات داشته

باید رأی گرفت اگر تصویب شد آنوقت باید الحاق شود **حاج شیخ اسدالله -** این تعیین مدت برای اینست که بعد از انقضای این مدت مجازات داشته

باید رأی گرفت اگر تصویب شد آنوقت باید الحاق شود **حاج شیخ اسدالله -** این تعیین مدت برای اینست که بعد از انقضای این مدت مجازات داشته

باید رأی گرفت اگر تصویب شد آنوقت باید الحاق شود **حاج شیخ اسدالله -** این تعیین مدت برای اینست که بعد از انقضای این مدت مجازات داشته

باید رأی گرفت اگر تصویب شد آنوقت باید الحاق شود **حاج شیخ اسدالله -** این تعیین مدت برای اینست که بعد از انقضای این مدت مجازات داشته

باشند که اگر انتخاب نشد مجازاتش چه میشود بنده عرض میکنم که تعیین مدت هیچ لازم نیست حقشان ساقط است یا اینکه مجازاتی معین خواهد شد اینجا که نیست پس همانطور که آقای بجهت فرمودند این حق را دارند که در اول ازمته امکان آنرا انتخاب کنند

مرتضی قلیخان - ماده این طور اصلاح شده است. هر يك از اعضاء که مستعفی یا متوفی می شوند عوض آنها بترتیبی که در ماده ۱۲ ذکر شد مجلس شورای ملی انتخاب می نماید ابتدای خدمت اعضایی که بجای اعضاء مستعفی یا متوفی یا معزول انتخاب میشوند از ابتدای تاریخ انتخاب عضو مستعفی یا متوفی یا معزول حساب میشود و این انتخاب منتهی در ظرف يك ماه باید واقع شود و اگر مجلس شورای ملی منعقد نباشد در ماه اول انعقاد باید انتخاب شود.

ارباب کیخسرو - اول در راپورت کمیسیون باید رأی گرفته شود بعد در این اصلاحی که شده است

فهییم الملک - اول این مطلب را که منتهی انتخاب در ظرف يك ماه بعمل می آید رأی بگیرد اگر قابل توجه شد آنوقت در ماده رأی بگیرد.

رئیس - اول رأی می گیریم در پیشنهاد شاهزاده سلیمان میرزا که انتخاب در ظرف يك ماه بعمل بیاید کسانی که تصویب می کنند قیام نمایند [پیشنهاد مزبور رد شد].

مجدداً ماده با اضافه لفظ معزول قرائت شد باین عبارت:

هر يك از اعضاء که مستعفی یا معزول یا متوفی می شوند عوض آنها بترتیبی که در ماده ۱۲ ذکر شد مجلس شورای ملی انتخاب می نماید ابتدای خدمت اعضایی که بجای اعضاء مستعفی یا متوفی یا معزول حساب میشود.

رئیس - رأی می گیریم باصل ماده ۲۲ کمیسیون بطریق که خوانده شد کسانیکه موافقت قیام نمایند (اغلب قیام نمودند و با کثرت تصویب شد)

مرتضی قلی خان - چهار ماده است که در کمیسیون از پیشنهاد وزیر حذف کرده اند بدین طریق:

مواد ۲۲ و ۲۳ و ۲۴ و ۲۵ از لایحه وزیر حذف شد زیرا هیئتی که اعضاء آن انتخاب میشوند و مدت معینی در سر کار خواهند بود نمی توانند ترفیع رتبه حاصل نمایند.

ماده ۲۶ لایحه وزیر بمضمون ذیل خوانده شد **ماده ۲۷** - هر ساله رئیس کل دوفرا از مستشاران هر محکمه را بترتیب قرعه به محکمه دیگر انتقال خواهد داد بطوری که چهار نفر معین بیش از يك سال در محکمه نمانند کمیسیون به عبارتی که ذیلا درج می شود پیشنهاد کرده بود.

ماده ۲۸ - هر ساله رئیس کل مستشاران هر محکمه را به محکمه دیگر انتقال خواهد داد که بیش از يكسال در يك محکمه نمانند.

فهییم الملک - اینجا بیش از يكسال را باید نوشت بیش از دو سال متوالی در يك محکمه نمانند.

معاضد الملک - عرض بنده راجع است به مواد قبل اینجا کمیسیون چهار ماده از لایحه وزیر

باید رأی گرفت اگر تصویب شد آنوقت باید الحاق شود **حاج شیخ اسدالله -** این تعیین مدت برای اینست که بعد از انقضای این مدت مجازات داشته

باید رأی گرفت اگر تصویب شد آنوقت باید الحاق شود **حاج شیخ اسدالله -** این تعیین مدت برای اینست که بعد از انقضای این مدت مجازات داشته

باید رأی گرفت اگر تصویب شد آنوقت باید الحاق شود **حاج شیخ اسدالله -** این تعیین مدت برای اینست که بعد از انقضای این مدت مجازات داشته

باید رأی گرفت اگر تصویب شد آنوقت باید الحاق شود **حاج شیخ اسدالله -** این تعیین مدت برای اینست که بعد از انقضای این مدت مجازات داشته

باید رأی گرفت اگر تصویب شد آنوقت باید الحاق شود **حاج شیخ اسدالله -** این تعیین مدت برای اینست که بعد از انقضای این مدت مجازات داشته

باید رأی گرفت اگر تصویب شد آنوقت باید الحاق شود **حاج شیخ اسدالله -** این تعیین مدت برای اینست که بعد از انقضای این مدت مجازات داشته

باید رأی گرفت اگر تصویب شد آنوقت باید الحاق شود **حاج شیخ اسدالله -** این تعیین مدت برای اینست که بعد از انقضای این مدت مجازات داشته

باید رأی گرفت اگر تصویب شد آنوقت باید الحاق شود **حاج شیخ اسدالله -** این تعیین مدت برای اینست که بعد از انقضای این مدت مجازات داشته

باید رأی گرفت اگر تصویب شد آنوقت باید الحاق شود **حاج شیخ اسدالله -** این تعیین مدت برای اینست که بعد از انقضای این مدت مجازات داشته

حذف کرده است و بایستی رأی مجلس هم در این باب معلوم شود که مجلس هم رأی میدهد یا نه اگر رأی میدهد که حذف شود والا جزء قانون شود فقط رأی کمیسیون کافی نیست.

رئیس - رأی می گیریم بر حذف مواد ۲۲ و ۲۳ و ۲۴ و ۲۵ بطوریکه کمیسیون پیشنهاد کرده است کسانی که حذف این مواد را تصویب می کنند قیام نمایند (اغلب قیام نمودند و با کثرت تصویب شد).

مؤتمن الملک - این ماده باید اصلاح شود اگر بنا باشد که مستشارها را از محکمه های بی محکمه دیگر انتقال بدهند سال دوم هر مستشاری که در محکمه اول بوده تقریباً در محکمه دوم خواهد بود همین طریقند و مستشاری که در سال اول در يك محکمه بوده اند سال سیم در محکمه سیم خواهند بود مقصود اینست که آن دو مستشاری که در سال اول بهلوی هم بودند سال دوم و سیم و غیره در يك محکمه نباشند یکی در يك محکمه باشد و دیگری در يك محکمه دیگر باشد.

حاج سید ابراهیم - اینطوریکه آقای مؤتمن الملک فرمودند خوب است این ماده بر گردد بکمیسیون و اصلاح شود بجهت اینکه این ترتیبی که میفرمایند که هیچ دو مستشاری در يك سال در يك محکمه نمانند و این ممکن نیست بجهت اینکه در سال چهارم پیش هم خواهند بود ولی حالا که می فرمایند مقصود يك چیز دیگری است خوب است به کمیسیون برگردانند و در آنجا اصلاح بشود.

فهییم الملک - آن مقصود هم میشود که بعمل بیاید چون اینجا عبارت يك طوری نوشته شده است که میتوان تغییر داد که هر ساله رئیس کل و رؤسای محاکم را آخر سال به محکمه دیگر انتقال دهند که يك سال متفرق در يك محکمه نمانند اینطور اصلاح شود.

حاج آقا - این مطلبی که آقای فهییم الملک فرمودند گمانم این است که نظر کمیسیون این بوده است که دوفرا دو سال متوالی در يك محکمه نباشند یعنی اگر یکی از آنها بروند آن يك نفر دیگر هم نباشد فقط نظر کمیسیون این بود که در سال دوم در محکمه ای که سال اول بوده اند نباشند و اینکه دو مستشار در يك سال متفرق بهلوی هم نمانند باز رفع اشکال نخواهد شد بجهت اینکه آن دو مستشاری که در محکمه اول بوده اند سال چهارم باید برگردند به محکمه اول و این اشکال رفع میشود باینکه بنویسند که بیش از دو سال متوالی در يك محکمه نباشند این اصلاح اگر بشود اشکال باقی نمی ماند و محتاج هم نیست که بگوئیم که دو نفر در يك محکمه نباشند.

حاج سید ابراهیم - بنده چون کامل نظری در این باب کردم ممکن نیست که آنطوریکه آقای مؤتمن الملک فرمودند ترتیب داد و در این سه محکمه تصور شود بجهت اینکه ما می بینیم سه محکمه داریم و سه مستشار سال اول مستشاران اول میروند به محکمه اول سال دوم منتقل میشوند به محکمه دوم و سال

باید رأی گرفت اگر تصویب شد آنوقت باید الحاق شود **حاج شیخ اسدالله -** این تعیین مدت برای اینست که بعد از انقضای این مدت مجازات داشته

باید رأی گرفت اگر تصویب شد آنوقت باید الحاق شود **حاج شیخ اسدالله -** این تعیین مدت برای اینست که بعد از انقضای این مدت مجازات داشته

باید رأی گرفت اگر تصویب شد آنوقت باید الحاق شود **حاج شیخ اسدالله -** این تعیین مدت برای اینست که بعد از انقضای این مدت مجازات داشته

باید رأی گرفت اگر تصویب شد آنوقت باید الحاق شود **حاج شیخ اسدالله -** این تعیین مدت برای اینست که بعد از انقضای این مدت مجازات داشته

باید رأی گرفت اگر تصویب شد آنوقت باید الحاق شود **حاج شیخ اسدالله -** این تعیین مدت برای اینست که بعد از انقضای این مدت مجازات داشته

باید رأی گرفت اگر تصویب شد آنوقت باید الحاق شود **حاج شیخ اسدالله -** این تعیین مدت برای اینست که بعد از انقضای این مدت مجازات داشته

باید رأی گرفت اگر تصویب شد آنوقت باید الحاق شود **حاج شیخ اسدالله -** این تعیین مدت برای اینست که بعد از انقضای این مدت مجازات داشته

باید رأی گرفت اگر تصویب شد آنوقت باید الحاق شود **حاج شیخ اسدالله -** این تعیین مدت برای اینست که بعد از انقضای این مدت مجازات داشته

باید رأی گرفت اگر تصویب شد آنوقت باید الحاق شود **حاج شیخ اسدالله -** این تعیین مدت برای اینست که بعد از انقضای این مدت مجازات داشته

باید رأی گرفت اگر تصویب شد آنوقت باید الحاق شود **حاج شیخ اسدالله -** این تعیین مدت برای اینست که بعد از انقضای این مدت مجازات داشته

باید رأی گرفت اگر تصویب شد آنوقت باید الحاق شود **حاج شیخ اسدالله -** این تعیین مدت برای اینست که بعد از انقضای این مدت مجازات داشته

باید رأی گرفت اگر تصویب شد آنوقت باید الحاق شود **حاج شیخ اسدالله -** این تعیین مدت برای اینست که بعد از انقضای این مدت مجازات داشته

باید رأی گرفت اگر تصویب شد آنوقت باید الحاق شود **حاج شیخ اسدالله -** این تعیین مدت برای اینست که بعد از انقضای این مدت مجازات داشته

باید رأی گرفت اگر تصویب شد آنوقت باید الحاق شود **حاج شیخ اسدالله -** این تعیین مدت برای اینست که بعد از انقضای این مدت مجازات داشته

باید رأی گرفت اگر تصویب شد آنوقت باید الحاق شود **حاج شیخ اسدالله -** این تعیین مدت برای اینست که بعد از انقضای این مدت مجازات داشته

باید رأی گرفت اگر تصویب شد آنوقت باید الحاق شود **حاج شیخ اسدالله -** این تعیین مدت برای اینست که بعد از انقضای این مدت مجازات داشته

سیم میروند به محکمه سیم باز سال چهارم بر میگردند به محکمه اول پس بهر حال ممکن نیست که بگوئیم آن دو مستشاری که در آن محکمه بوده اند بر نمیگردند بآن محکمه پس تصور میکنم که در این باب بطوریکه فرمودند که باید اصلاح شود رأی گرفته شود.

مؤتمن الملک - مقصود این نیست که دوفرا مستشاری که در يكجا بوده اند و رفتاری که پیدا کرده اند اینها را مجزا کنند حالا میگویند نمانند آن محوطه چه اختصاص دارد که در آنجا نمانند مقصود این است که این دوفرا مستشار یکی در آن محکمه بمانند آن یکی نمانند حالا لازم نیست آن يك نفر را به محکمه سیم بفرستند و یکی دیگر را به محکمه دوم رئیس قرعه بیاندازد به اسم هر کدام که بیرون آمد به بیند که یکی از این دو مستشار را به محکمه باید بفرستد حال این یکی نباشد آن یکی و میشود اینطور نوشت هر ساله رئیس کل مستشاران هر محکمه را به محکمه دیگر انتقال خواهد داد بطوریکه قرعه دو مستشار دو سال متوالی در يك محکمه نمانند.

اصلاح پیشنهاد آقای فهییم الملک عبارت ذیل خوانده شد.

هر ساله رئیس کل مستشار محکمه را بترتیبی به محکمه دیگر انتقال خواهد داد که دو نفر یعنی دوسال متوالی در يك محکمه نمانند.

بجهت - این دو مطلب است یکی پیشنهاد آقایان که دو نفری که در يك محکمه مصدر يك خدمتی بوده اند باهم نباشند یکی دیگر آنست که يك مستشار بیش از يك سال در محکمه خدمت نداشته باشد ممکن است این را بگذرانیم و صحیح باشد و قبول کنیم مطلب یکی این است عرض کردم که مستشار در يكسال در يك محکمه نمی تواند بماند و یکی این است که مستشار بیش از يكسال باهم نباشند این ممکن است باینکه یکی را از آن دو مستشار در محکمه ثانی قرار بدهند و یکی رادر محکمه ثالث.

حاج سید ابراهیم - بنده اولاد را این پیشنهاد مخالف هستم بجهت اینکه ما معین میکنم که دو نفر معین دو سال متوالی در يك محکمه نباشند اگر این قرعه باشد که قرعه چشم و گوش ندارد قرعه هر طوری که درآمد در آمده است و قرعه سال دوم و سیم ممکن است که باهم بیفتند لفظ قرعه را باید برداشت و این کار را بگردن رئیس بیندازیم باید همانطور نوشت که دوسال متوالی در يك محکمه نمانند نوشت که مستشاران ۱۸ نفر پنج سال هم داریم سال دوم مستشار محکمه اول را میبریم در محکمه دوم یا اینکه میآوریم در محکمه سیم بهر حال سال چهارم بر میگردد بترتیب سال اول پس لفظ اول دوسال متوالی را که نوشتیم کافی است.

فهییم الملک - اینجا يك مقصود دیگری است مقصود فقط نه این است که دوسال متوالی در يك محکمه نباشند بلکه باهم نبودن مستشارها مقصود

باید رأی گرفت اگر تصویب شد آنوقت باید الحاق شود **حاج شیخ اسدالله -** این تعیین مدت برای اینست که بعد از انقضای این مدت مجازات داشته

است در آن پیشنهاد هم نوشته بودند که اینها دو سال متوالی متفقاً در يك جا نباشند حالا در يك محكمه یا دو محكمه فرقی ندارد و حالا اگر نباشد از چهار نفر دو نفر يك نفر آنها را خارج کنند چطور باید آنها را خارج کنند که اسباب ملاحظه نباشد یا اینکه يك نفر مستشار در يك محكمه باشد و يك نفر دیگر نباشد این تشخیص را بهر کسی که واگذار کنند اسباب ملاحظه میشود باید بقره باشد قرعه بهتر از همه است که امسال کدام يك از مستشارانی که در این محكمه است باید از این محكمه برود به محكمه دیگر این يك مسئله قرعه لازم دارد حالا بعد از دو سال یا سه سال دیگر برمیگردد به محكمه اولی این بشود چه ضرر دارد دیگر نمیتوان گفت که آنقدر محكمه داشته باشند که نتوانند بر گردد به محكمه اولی همین قدر که يك سال رفت از این محكمه به محكمه دیگر و باز برگشت در همین محكمه کفایت میکند مقصود این است که سال بعدش با آن مستشار اولی رفیق نباشد و این دو نفر مستشار بیش از يك سال متفقاً با هم نباشند و ترتیب این است که گفته شود بطور قرعه از آن محكمه به محكمه دیگر میروند و بعد از يك سال باز مجدداً بطور قرعه قسمت میشوند .

لسان الحکماء - گمان میکنم که این محاکم آنطوری هست که یکی برای جمع مملکت است و یکی برای خرج مملکت و یکی برای خرج و جمع ولایات و ایالات در این صورت گمان می کنم که این اقدام بر بخورد بکار اینها پایه رئیس کل و در جاهای دیگر رؤسای محاکم یا محكمه زدعی العمومی ببیند که کدام صلاحیت دارد و کدام کارشان ناقص نمیشود آنوقت بعد از مشورت در محكمه مدعی العمومی رئیس کل آنرا تغییر و تبدیل میدهد بکار کاررانی ناقص کرد از این تغییر و تبدیل که درست ماخذش را بدست نیآورده ایم بجهت اینکه بگویم مخصوص بودجه عایدات است و یکی به بودجه مخارج آنوقت يك دقعه وسط کارشان بیاید بقرعه یا بخیال این را تغییر بدهند آنوقت بکلی آن رشته و اسباب از دست برود و بنده عقیده ام این است که اختیارات را بدهند بدست محاکم عمومی که نظر بملک و اطلاع و صلاحیت اشخاص تغییر و تبدیل بدهند والا رشته اینکار با این ترتیب که مذاکره میشود از هم گسیخته میشود .

فهییم الملک - ترتیب اصول محاکمات که در مجلس مطرح خواهد شد معین میکند که بواسطه اینها يك عیب و نقیصه وارد نخواهد آمد و مخصوصاً در همه نقطه ای آن را بنظریات شخصی واگذار نکرده اند و بترتیب قانونی معین نموده اند و این ترتیبی که در اینجا نوشته اند که مستشارها يك کاری بکنند و يك راپورتی بدهند آنرا خواهند داد و نقیصه بترتیب جریان محاکم دیوان معاسبات نخواهند رسانید .

ماده مزبوره مجدداً با اصلاح قرائت شد .

مؤتمن الملک - بنده عرض میکنم که در بعضی مواقع بقرعه محتاج نباشد همین قدر بنویسند بترتیب انتقال میدهند که دو سال متوالی در يك محكمه نمانند

حاج عز الممالک - دو سال متوالی يك سال موافق نمیشود نوشته شود دو سال متوالی دو مستشار متفقاً در يك محكمه نمانند .

رئیس - رای میگیریم بر ماده ۲۴ بطریق قبلی که خوانده شد - کسانی که موافقت قیام نمایند (اکثریت حاصل نشد)

محمد هاشم میرزا - آتهائی که رای ندادند بجهت لفظ معین بود که منجمه بنده هم نفهمیدم که چه چیز است .

مؤتمن الملک - گویا بعضی ها بواسطه لفظ معین رای ندادند اگر لفظ معین را بردارند رای خواهند داد .

فهییم الملک - ملا می گویند یکی از مستشاران محكمه این یعنی که دو نفر معین در يك جا نباشند پیشنهاد آقای حاج مصدق الممالک باین مضمون خوانده شد .

این بنده پیشنهاد میکنم ماده ۲۴ بطور نوشته شود رئیس کل میتواند مستشاران هر محكمه را بنظریات خود به محكمه دیگر انتقال بدهد

بجهت - میبایست ملتفت شد که اینکه رای ندادند و اکثریت حاصل نشد علت چه بوده در پیشنهاد آقای مؤتمن الملک این بود که غالب و کلا این راد نظر دارند همینطور که آقای مؤتمن الملک فرمودند ممکن است مابین يك مستشاری و رئیس محكمه هم توافق و تملاطی بشود مثل اینکه بین دو مستشار ممکن است توافق بشود در این پیشنهاد همچو میسرانند فقط دو مستشار نمیتوانند در يك محكمه بمانند در صورتیکه باین ماده معلوم میشود که مستشار یا رئیس محكمه میتواند باشد و حال اینکه عمده نظر در آن است که رئیس کل با هیچ مستشار در يك محكمه نباشد این بود نظر و کلا که تصویب نشد .

محمد هاشم میرزا - اگر آن لفظ برداشته میشود که رای گرفته شود و الا رجوع بکمیسیون شود بواسطه اینکه هر چه مذاکره بشود بر معلومات ما افزوده نخواهد شد .

افتخار الواعظین - این يك مسئله مهمی نیست که برای فلان کلمه رای ندادند این پیشنهاد برای آن است که دو نفر مستشار در يك محكمه دو سال متوالی نباشند امسال که دو نفر در این محكمه هستند بکی را بردارند در آن محكمه بگذارند یکی را هم از آن محكمه بردارند در این محكمه بگذارند این يك مسئله نیست که خیلی دقیق باشد که ملتفت و منتقل نشوند بنده عرض میکنم که این عبارت را باید بکلی اصلاح کرد که خوب فهمیده شود که دو مستشار بهلوی هم در يك سال نمانند آنوقت اکثریت هم خواهد شد .

آقامیرزا ابراهیم قمی - بنده عرض میکنم چه جهت دارد که فقط مستشارها را از يك دیگر انفکاک بدهند دومین هم ممکن است با هم اتفاق و تعلق کنند .

حاج مصدق الممالک - بنده میخواستم عرض کنم که این ماده جز اینکه بی اهمیتی را نسبت به مستشارها برساند نتیجه دیگری ندارد بجهت

اینکه اگر آنها در يك خدمتی که بآنها رجوع شده است بخواهند تعلق بکنند بهر قسمی که باشد خواهند کرد اولاً پیشنهاد بنده بنابر این بشود که این ماده حذف شود بعد اینطور پیشنهادیکه شد که رئیس کل هر کدام يك را که فساد از وجودشان در يك محكمه هست اگر بخواهد آنها را بنظر خودش به محكمه دیگر انتقال بدهد بتواند .

فهییم الملک - مقصود عمده از نوشتن این ماده این بوده است که بنظر رئیس کل نباشد و این بنظریات رئیس کل که نظرات یک نفر است نباشد قانون را که می نویسند برای این است که يك ترتیب قانونی برای آنها باشد .

رئیس - رای میگیریم به پیشنهاد آقای حاج مصدق الممالک کسانی که موافقت قیام نمایند هیچکس قیام نکرد با اتفاق رد شد .

پیشنهاد آقای آقا میرزا مرتضی قلیخان عبارت ذیل خوانده شد .

ماده ۲۴ - هر ساله رئیس کل مستشار هر محكمه را به ترتیبی به محكمه دیگر انتقال خواهد داد که دو مستشار متفقاً دو سال در يك محكمه نمانند .

پیشنهاد حاج آقا بضمون ذیل قرائت شد . بنده پیشنهاد میکنم که ماده اینطور اصلاح

شود هر ساله رئیس کل هر يك از مستشاران هر محكمه را به محكمه دیگر انتقال خواهد داد بطوریکه هیچ مستشاری در دو سال متوالی در يك محكمه نمانند و همچنین دو مستشار دو سال متوالی با هم در يك محكمه مصدر خدمت نباشند ماده مزبوره با اصلاح قرائت شد .

رئیس - رای میگیریم بر ماده ۲۴ بطریق قبلی که خوانده شد کسانی که موافقت با این ماده قیام نمایند اغلب قیام نمودند و اکثریت تصویب شد .

رایورت کمیسیون عدلیه از قرار ذیل است . تاریخ ۲۰ شهر ذی قعدة الحرام از کمیسیون عدلیه بمجلس مقدس .

کمیسیون عدلیه در تحت ریاست آقای حاج شیخ الرئیس منمقد و در مادة العاقبه قبول و نکول بروات مذاکره لازمه را بعمل آورده بالاخره ماده ۶ قبول و نکول بروات را چنین تکمیل مینماید تا اکثریت مجلس مقدس بجه تعلق گیرد .

ماده ۶ - شخصیکه باو حواله شده است هر گاه بروت را قبولی نوشت باءه وجه قبولی نوشته خود ملزم است و دارنده بروت نمیتواند بعد از قبول رجوع بحواله کننده نماید ولی این در صورتی است که حواله کننده عدم رجوع بخود را در بروت تصریحاً قید کرده باشد هر گاه محال علیه بروت را قبولی نوشت و در سر وعده تمام وجه یا قسمتی از آنرا نپرداخت دارنده بروت باید آن بروت را بر طبق ماده ۶ (پروست) نموده و پس از آن مشارالیه مختار است که مستقیماً از حواله کننده اولی یا قبولی نویسنده وجه بروت را دریافت نماید و یا در صورت تعدد حواله کننده گان دارنده بروت موافق ماده دویم که سر لاحق بسابق خود رجوع بنماید رفتار کند یا از هر کدام که بخواهد وجه را اخذ نماید و مادامیکه وجه بروت تأدیه نشده

است تمام صاحبان امضاء در بروت مسئول تأدیه وجه هستند (تنبیه) قبولی نویسنده نباید قبولی خود را متعلق بشرط نماید ابراهیم زنجانی .

رئیس - چون در این راپورت دوشور خواهد شد ملاحظاتی اگر هست بفرمائید .

معاضد الملک - بنده لازم میدانم مغرباً یکی از آقایان اعضای کمیسیون عدلیه توضیح بدهند که چه علت پیدا شده که ماده ۶ باید حذف شود و این ماده بجای آن نوشته شود آن علت را بیان فرمائید تا از روی بصیرت مذاکره در این ماده بشود .

حاج آقا - ماده ۶ قانون قبول و نکول بروت که از مجلس گذشت در اینجا يك نظر مخصوص بود در مقام قبولی نوشتن حواله بآن ترتیبی که در حواله شرعی است که پس از قبولی نوشتن ذمه بحول علیه مشغول است و این ترتیبی که اینجا نوشته است ابتدا ترتیب حواله شرعی نیست و عمده اشکالی که اینجا برز کرده این بود که در حوالجات تجارتي که تجار ایران با تجار تبعه خارجیه میکنند چهار اشکالات میشوند

اولاً اینست که در حواله تجارتي که تجار ایران با تجار تبعه خارجیه میکنند چهار اشکالات میشوند اولاً اینست که در حواله تجارتي که تجار ایران با تجار تبعه خارجیه میکنند چهار اشکالات میشوند

اولاً اینست که در حواله تجارتي که تجار ایران با تجار تبعه خارجیه میکنند چهار اشکالات میشوند

اولاً اینست که در حواله تجارتي که تجار ایران با تجار تبعه خارجیه میکنند چهار اشکالات میشوند

اولاً اینست که در حواله تجارتي که تجار ایران با تجار تبعه خارجیه میکنند چهار اشکالات میشوند

اولاً اینست که در حواله تجارتي که تجار ایران با تجار تبعه خارجیه میکنند چهار اشکالات میشوند

اولاً اینست که در حواله تجارتي که تجار ایران با تجار تبعه خارجیه میکنند چهار اشکالات میشوند

اولاً اینست که در حواله تجارتي که تجار ایران با تجار تبعه خارجیه میکنند چهار اشکالات میشوند

اولاً اینست که در حواله تجارتي که تجار ایران با تجار تبعه خارجیه میکنند چهار اشکالات میشوند

اولاً اینست که در حواله تجارتي که تجار ایران با تجار تبعه خارجیه میکنند چهار اشکالات میشوند

اولاً اینست که در حواله تجارتي که تجار ایران با تجار تبعه خارجیه میکنند چهار اشکالات میشوند

اولاً اینست که در حواله تجارتي که تجار ایران با تجار تبعه خارجیه میکنند چهار اشکالات میشوند

اولاً اینست که در حواله تجارتي که تجار ایران با تجار تبعه خارجیه میکنند چهار اشکالات میشوند

اولاً اینست که در حواله تجارتي که تجار ایران با تجار تبعه خارجیه میکنند چهار اشکالات میشوند

اولاً اینست که در حواله تجارتي که تجار ایران با تجار تبعه خارجیه میکنند چهار اشکالات میشوند

اینجا به اعتبار حواله دهنده میگردد نه باعتبار محول علیه و گیرنده حواله هر وقت بخواهد میتواند باو رجوع کند این هم يك ترتیبی است که معمول است و هیچ ضرری وارد نیاید هیچکدام از دهنندگان بروت بواسطه اینکه تمام اینها در عرف تجارت نظرشان بحواله دهنده است نه باعتبار طرف از این جهت این قرارداد را اگر بخواهید اظهارات تجار را بخوانید یا اینکه بنده هیچ لازم نمیدانم خواهید دید که چند تجار داخله گرفتار شده اند .

معین الرعايا - اینکه اینجا گفته شد قانون خارج این است که بروت را پس از قبولی نوشتن اگر نداد قبولی نویسنده و دارنده بروت رجوع بحواله کننده میکنند گمان میکنم این قاعده در هیچ جای عالم نباشد بروت وقتیکه قبولی نوشته شده است ادای وجه آن در عهده آنکسی است که قبولی آن را نوشته است برای اینکه اگر قبولی ننوشت بود ممکن بود قبولی کند ممکن بود رد کند اما بعد از آنکه قبولی نوشت بروت حکم سند ذمه را پیدا میکند و در هیچ جای دنیا يك چنین قاعده نیست که بروت حواله نوشته شده را نکول بکنند عقیده بنده این است که آن را که تومانیان نوشته است بخواهند تا مطلب معلوم شود .

سلیمان میرزا - اولاً اینکه بعضی از آقایان اظهار داشتند که دلیل تغییر ماده ۶ قانون قبول و نکول بروت را توضیح بدهند عرض میکنم که این اشتباه شده است ابتدا در این مقام نیستند که ماده ۶ قانون قبول و نکول بروت را تغییر بدهند باین جهت اول ماده ۶ قانون قبول و نکول بروت را عیناً میخوانم و بعد عرض خودم را عرض میکنم .

ماده ۶ - شخصیکه باو حواله شده هر گاه بروت را قبولی نوشت باءه وجه قبولی نوشته خود ملزم است و نباید قبول معلق بشرط باشد .

این ماده بطوریکه ملاحظه مینمائید مهم است یعنی آنطوریکه تعیین میکنند نکرده است یعنی همان طوری که آقای حاج آقا بیان فرمودند صاحب بروت اگر رجوع یا عدم رجوع بخودش را قید کرده باشد یا قید نکرده باشد در صورت رد بروت آن وقت تکلیف گیرنده برای چیست و چه حکمی از برای این بروت است در این خصوص این ماده ساکت است و این ماده که نوشته شده است در تعیین حکم بروتی که عدم رجوعش را صاحب بروت قید کرده است یا نکرده است و بواسطه عدم تعیین تکلیف در اینگونه بروت و ابهام آن ماده ۶ اشکالات زیادی پیدا می شود زیرا تجارت يك قانون بین المللی دارد که آنرا شمانی و غیره همه قبول کرده اند از برای اینکه می توانند تجار ما در رشته تجارت با خارجه داخل شوند لازم است بقانون بین المللی رفتار شود درست است که اختیار در دست ما است یعنی اختیار وضع قوانین در دست مجلس است و می توانند همه جور وضع قوانین کنند لکن باید دانست که آن قانون مجری است در داخله و از سرحدات مملکت ما تجاوز نخواهد کرد و تجارت مجبور است از سرحدات ما خارج نشود و اگر وضع قانونی راجع بتجارت در مجلس شورای ملی بشود که مطابق با قانون تجارت بین المللی نباشد ضرری بتجار خارجه وارد نیآورد ضرر بتجار داخله و تجارت داخلی ما وارد

دهنده حواله مشغول است آن که حواله می گیرد در

دهنده حواله مشغول است آن که حواله می گیرد در

دهنده حواله مشغول است آن که حواله می گیرد در

دهنده حواله مشغول است آن که حواله می گیرد در

دهنده حواله مشغول است آن که حواله می گیرد در

دهنده حواله مشغول است آن که حواله می گیرد در

دهنده حواله مشغول است آن که حواله می گیرد در

دهنده حواله مشغول است آن که حواله می گیرد در

دهنده حواله مشغول است آن که حواله می گیرد در

دهنده حواله مشغول است آن که حواله می گیرد در

دهنده حواله مشغول است آن که حواله می گیرد در

دهنده حواله مشغول است آن که حواله می گیرد در

دهنده حواله مشغول است آن که حواله می گیرد در

دهنده حواله مشغول است آن که حواله می گیرد در

میشود و همین جهت اسباب شکایت تجار شده و تجار از ما خواسته اند که این ماده ۶ را توضیح بفرمائید و وزارت عدلیه يك لایحه پیشنهاد کرده که این ماده را توضیح نمایند که این ماده در موضوع عدم رجوع است یا در موضوع مطلق بروت است کمیسیون این شرح را بطوریکه شامل آن مواد بشود که عدم رجوعش را قید کرده یا قید نکرده نوشته است که هر گاه در بروت عدم رجوعش را قید بکنند که خواه قبولی نویسنده بدهد یا ندهد حق رجوع باو نداشته باشد این در موضوع ادوات مطابق قوانین بین المللی که شمانی هم قبول کرده است که در صورتی که بروت کننده عدم رجوع را قید نکرده باشد بروت قبولی نویسنده ندارد صاحب بروت میتواند برگردد باولی یعنی صاحب بروت وقتیکه بروت را داد قبولی نویسنده و قبولی نوشت و در سر وعده نکول کرد صاحب بروت را ببرد پروتست میکند بعد از پروتست کردن بر میگردد بحواله دهنده و در صورت تعدد بر میگردد باولی و می تواند از آنها هم که واسطه بوده اند دریافت کند و آن کاغذی که از تجارتخانه تومانیان نوشته شده است خیلی مشکل است لکن حالا بنده بطور مثل عرض می-کنم يك بروت دوهزار فرانکی یکی از تجار حواله کرده است یکی از بانکهای فرانسه بوعده ۲ ماهه گیرنده بروت مطابق معمول بروت را بدیگری فروخته و وجهش را دریافت کرده و این مراتب ۱۷ دست گردش کرده تا بآن کسیکه باو حواله شده است رسیده او هم قبولی نوشته لکن سر موعده وجه را نداده است بملاحظاتیکه ممکن است اتفاق بیفتد صاحب بروت مطابق قوانینی که در فرانسه است و در همه جاهت برده باطابق تجارت پروتست کرده و پس از پروتست آن شخص آخری آن خسارتي که باو وارد شده است از ماقبل خودش دریافت کرده آنهم همین طور از سابق خودش دریافت کرده تارسیده است به اولی که حواله دهنده اول او است حالا هم گیرنده بروت هم دهنده بروت هردو تبعه ایران هستند آن حواله دهنده از برای طرفه ازدادن این پول این ماده ۶ را سدر کرده میگوید مطابق قانون قبول و نکول بروت بروید از بانک فرانسه مطالبه کنید که این حواله را قبولی نوشته در صورتیکه این قانون قبول و نکول بروت را صاحب بروت قید کرده است یا نکرده است و بواسطه عدم تعیین تکلیف در اینگونه بروت و ابهام آن ماده ۶ اشکالات زیادی پیدا می شود زیرا تجارت يك قانون بین المللی دارد که آنرا شمانی و غیره همه قبول کرده اند از برای اینکه می توانند تجار ما در رشته تجارت با خارجه داخل شوند لازم است بقانون بین المللی رفتار شود درست است که اختیار در دست ما است یعنی اختیار وضع قوانین در دست مجلس است و می توانند همه جور وضع قوانین کنند لکن باید دانست که آن قانون مجری است در داخله و از سرحدات مملکت ما تجاوز نخواهد کرد و تجارت مجبور است از سرحدات ما خارج نشود و اگر وضع قانونی راجع بتجارت در مجلس شورای ملی بشود که مطابق با قانون تجارت بین المللی نباشد ضرری بتجار خارجه وارد نیآورد ضرر بتجار داخله و تجارت داخلی ما وارد

دهنده حواله مشغول است آن که حواله می گیرد در

دهنده حواله مشغول است آن که حواله می گیرد در

دهنده حواله مشغول است آن که حواله می گیرد در

دهنده حواله مشغول است آن که حواله می گیرد در

دهنده حواله مشغول است آن که حواله می گیرد در

دهنده حواله مشغول است آن که حواله می گیرد در

دهنده حواله مشغول است آن که حواله می گیرد در

دهنده حواله مشغول است آن که حواله می گیرد در

دهنده حواله مشغول است آن که حواله می گیرد در

دهنده حواله مشغول است آن که حواله می گیرد در

دهنده حواله مشغول است آن که حواله می گیرد در

دهنده حواله مشغول است آن که حواله می گیرد در

دهنده حواله مشغول است آن که حواله می گیرد در

دهنده حواله مشغول است آن که حواله می گیرد در

دهنده حواله مشغول است آن که حواله می گیرد در

دهنده حواله مشغول است آن که حواله می گیرد در

دهنده حواله مشغول است آن که حواله می گیرد در

دهنده حواله مشغول است آن که حواله می گیرد در

پیش این شخص یولی ندارد تا اینکه حواله او را ادا نماید در این صورت وقتیکه سر وعده دارنده حواله حواله را مبادرت او نکول میکند این صحیح هم هست و مطابق قوانین که در تجارتخانه ها مجری است این را می بینند و یک اشکال دیگری از برای عموم در داخله ممکن است پیدا شود زیرا بموجب این قانون ذمه حواله کننده به از قبولی نوشتن محال علیه بری خواهد بود و ذمه محال علیه بعد از قبولی نوشتن مشغول خواهد شد در این صورت ممکن است یک شخص بی اعتباری با یک شخص بی اعتبار تر از خودش تجارتی کند یکی برود باصفهان یا یکی از شهر های دیگر و خودش هم در طهران یا یک شهر دیگری باشد و ممکن است پنج کرور ده کرور حواله بدهد یا آن شخصیکه در اصفهان تمام را در سر یک موعده معین و در روز قبل از رسیدن موعده آن شخصیکه قبولی نوشته است فرار میکند و مقفود الاثر میشود و مطابق این ماده هم ذمه حواله دهنده بری است و ذمه حواله گرفته شده باو که قبولی نوشته است مشغول است بیستاداشخاصی که این پولها را دادند چه حالی خواهند داشت اگر این قانون توضیح نشود این عنوانی که عرض کردم از برای تجار ما فراهم خواهد شد و این بیچاره ها دچار این معظورات خواهند شد و بالاخره باید تجار دست از برات خری و برات فروشی بردارند یعنی از کلیه تجارت صرف نظر کنند و ما چیزی بان نیز فرود ایم و نکاسته ایم این شرط در موضوع قبولی نویسنده وقتی صدق میکند که در برات عدم رجوع بقدر صریحاً قید کرده باشند زیرا آن گیرنده برات باعتبار بنده که حواله میکند برات را قبول میکند وقتیکه دید دهنده برات عدم رجوع بقدرش را قید میکند درست ملتفت میشود فکر خودش را میکند و حواله میگیرد والا نمی گیرد و در آخر عرض می کنم که آقایان باید ملتفت باشند تجارت بین المللی است باید متوجه این باشیم که یک قانونی وضع کنیم که در سایر جاها هم ممکن الاجرا باشد و حال اینکه اگر در داخله مملکت خودمان هم این قانون مجری باشد و فقط برای مملکت خودمان این قانون را وضع کرده باشیم تجار بهمین معظوراتی که عرض شد دچار خواهند شد و تمام سرمایه شان هم از دست خواهد رفت .

حاج امام جمعه - این براتهایی که معمول تجار ما است که بفلان جا و فلان جا حواله میکنند مادامی که پول بصاحب پول نرسد ذمه حواله کننده بری نخواهد بود قبولی نوشته ذمه اود را بری نمیکند اما اینکه اظهار کردند قید عدم رجوع را میکنند در این صورت حواله گیرنده حق ندارد رجوع بحواله دهنده بنماید این هم ایراد نیست ایراد رسیدن پول است خواه قید رجوع بکنیم خواه قید عدم رجوع را بکنیم ذمه او بری نخواهد بود مادامیکه محول علیه پول را نداده است ذمه حواله کننده بری نخواهد بود و این جای تردید نیست که باید ادا کنند .

مشیرالدوله - بنده هم میخواهم همین فرمایش آقای امام جمعه را عرض کنم مقصود اینجا این است

که بعضی تصور کرده اند که از ماده ۶ قانون قبول و نکول برات چنین معلوم میشود که اگر کسی حواله کرد و طرف قبولی نوشت ذمه حواله کننده بری میشود و صاحب برات باید از کسی که آن حواله را قبولی نوشته است مطالبه کند در صورتی که همانطوری که فرمودند مادامیکه برات پولش وصول نشده است میتواند از تمام آن وسایط مطالبه بکند علیحده و در صورتی که وجه بدارنده برات نرسیده است ایادی و اشخاصی که بعهده بگر حواله کرده اند مسئول میباشد این در صورتیکه بین حواله دهنده و حواله گیرنده یک صیغه خوانده نشده باشد ولی اینکه در ماده ۶ قهید میشود که حق رجوع بحواله دهنده ندارد در صورتیکه بین حواله دهنده و حواله گیرنده یک صیغه خوانده شده باشد و یک ماهده شده باشد که اگر طرف پول را نداد حق رجوع بحواله دهنده نداشته باشد و چیزی که در اینجا نوشته شده است در ماده ۶ که سابقاً نوشته است نیست این است که حواله کننده عدم رجوع را قید میکند چون کسیکه از اینجا حواله با صفتان میگیرد اگر حواله کننده بنویسد اگر طرف من در اصفهان این وجه را نداد تو حق رجوع بمن نداری ابدأ حواله گیرنده قبول نخواهد کرد او هم نخواهد نوشت پس ساکت که گذاشت بدیهی است بموجب این قانون در صورت ادا نشدن وجه صاحب برات حق مطالبه از دهنده برات را ندارد **هشترودی -** این اشکالات از ماده اول ناشی شده است و این فرمایشات هیچ کدام صحیح نیست و عرض میکنم چون ما باب برات را باب حواله قرار داده ایم از اینجا اشکال ناشی میشود چون وقتی که برات را حواله قرار دادیم آنوقت دیگر فرمایش آقای امام جمعه درست نمیشود بعد از اینکه حواله دهنده حواله داد و آن کسیکه باو حواله شده است قبول کرد دیگر ذمه حواله دهنده بری است حواله این شکل است مگر اینکه حواله حواله غیر شرعی باشد و بان ترتیبات در این صورت یک چیزی درست کنید که داخل عنوان شرعی نشود والا حواله را من خودم قبول کرده ام که از طرف بگیرم باو بگیرم تو حواله بد من از طرف بگیرم وقتیکه او حواله کرد و طرف قبول کرد و من هم قبول کردم که از طرف بگیرم دیگر ذمه حواله کننده بری خواهد شد این اتفاق تمام اصحابه است که ذمه بده دیگر نمی شود .

حاج امام جمعه - این مسئله حواله است نه مسئله ضمان اشتباه نشود .

هشترودی - من عرض میکنم باب حواله است و باب حواله در کتب قهیه معلوم است این دیگر چیزی نیست که در بنام بگیرم و هر کسی میخواهد اطلاع پیدا کند بر میدارد می بیند این یک مسئله اجتماعی است که من اول العلماء الی زمانها اسلام است یکی این است که شاهزاده سلیمان میرزا فرمودند که بحواله کننده رجوع کنیم این را باب برات باید دانست نه اینکه بگوئیم باب برات من الی الی العجرب باب حواله است یکی آن است که باب برات باب حواله نیست آن را میتوان بوالی رجوع کرد

مجبور است که از سر حدات مملکت ما تجاوز نکنند **معین الرعایا -** آنکه آقا فرمودند تصدیق میکنم اگر تأمل کنیم شخصی که حواله داده مادام که طرف قبولی ننوشته است ملزم است باداء آن و این وجه به ذمه او است اما وقتیکه طرف قبولی نوشت از ذمه حواله کننده خارج میشود و این مخالف است با فرمایش آقای امام جمعه که میفرمایند مادامیکه وجه برات را قبولی نویسنده نداده است در ذمه حواله دهنده است و اینکه می گویند عدم رجوع یا رجوع قید شود بنده عرض میکنم این برات نمیشود اگر بنویسد حواله کننده در صورتیکه طرف نداد حق رجوع به من نداری کسی نخواهد خرید و برات نخواهد باشد و اینکه شاهزاده سلیمان میرزا میفرمایند که ملاحظه محاسبات خارجه را هم باید کرد در سایر ممالک هم معمول است بنده منکر این هستم گمان نمی کنم در هیچ جای عالم چنین چیزی میفرمایند باشد بجهت اینکه در خارج وقتیکه برات را قبولی نوشتند ممکن نیست دیگر ندهند مگر وقتیکه ورشکست شوند والا مادام که ورشکست نشده اند ممکن نیست تجاری برات قبولی نوشته خودش را ندهند و اینهم که آخرش نوشته است که مشارالیه معتاد است که مستقیماً از حواله کننده اولی یا قبولی نویسنده وجه برات را دریافت نماید اینهم مجمل است باید معین کرد که از کدام یک بگیرد بجهت اینکه این یک اختیاری است که بدارنده برات میدهد و اسباب زحمت میشود .

سلیمان میرزا - بنده توضیحاً عرض کنم اینکه فرمودند در خارجه اینطور نیست این قیاس مقابل نص است الان بیست هزار فرانک بخارجه حواله شده است یعنی بیست فرانسه و آن حواله نکول شده است و دارنده برات برده و روست کرده و بر کشته است و تمام ایدی سابقه تمام خسارتی که بر آنها وارد شده است از دیگران گرفته اند و الان یکی از دوستان اداره تومانیاس رسیده است که از حواله کننده می خواهد بگیرد و او متمسک است به همین ماده ۶ و در محکمه است الان مطرح گفتگو است و از ما تکلیف خواسته اند و این الان موجود است تا آنجا که قوانین عثمانی و فرانسه الان در کمیسیون عدلیه حاضر است تشریف بیاورند ملاحظه فرمایند که همین طور آنها هم قبولی کرده اند یا خیر تمام نظریاتی که عرض شد تمام در آنجا هاهم هست و تمام نظریات آنها هم همین است که کسی که پول داده است بیولش برسد و بهمین وسیله تسهیل امور تجارتی شده تجارت رواج باشد والا اگر من متزائل باشم که یک پولی داده ام و یک تکه کافدی گرفته ام آن وقت سر موعده نکول کند بگویند من با اعتماد فلان مال التجاره این را قبول نوشته ام و آن بمن نرسیده را او هم ببرد پروتست کند لکن نوشتن بهیچ جا بند نباشد و بگوئیم ذمه محال علیه بری است بان ترتیب ممکن است ده کرور مال مردم در یک مدت از بین برود چنانچه عرض کردم ممکن است و نفر با هم مخصوصاً مواضع کنند و ده کرور یا پنج کرور بستاند و برنگی او در قلب است از مردم بگیرد و حواله بطرف بدهد ده روز مانده بر سر وعده طرف فرار کند از حواله دهنده که مطالبه کنند خواهد گفت مطابق ماده ۶ قانون برات بروید از او مطالبه کنید .

آقا محمد میر و جردی - در اینجا سه چهار مطلب مختلف با هم مخلوط شد و این را باید از هم تفکیک کرد اینکه میفرمایند برات را پس از اینکه محال علیه قبولی نوشت ذمه او بری میشود اینطور نیست در مسائل شرعی بهرجهت عنوان حواله چیزی دیگر نمیشود قرارداد بجهت اینکه در حواله شرعیه یک محال است یک محال است یک محال است یک محال است یک محال است و وقتی ذمه محال بری میشود که مواجه ثلثه بعمل آمده باشد و محال قبول کند که از محال علیه دریافت کنند در صورتیکه محال علیه طلبی از محال له داشته باشد در این صورت بعضی اینکه محال له قبول کرد که از محال علیه دریافت نماید در این صورت قبولی نوشتن هم لازم ندارد ذمه محال بری میشود چه محال بدهد آن وجه را محال علیه چه ندهد هم بقدر که او حضوراً گفت من قبول دارم ذمه او بری میشود ذمه محال علیه مشغول میشود اما در برات بطوریکه گفته اند در اینجا ذمه محول علیه مشغول بدین نیست و وقتیکه برات را قبولی بنویسد بفلان وعده در واقع وعده میکند که من ذمه محول را بری خواهم کرد و سر موعده اگر وجهی بان نرسیده باشد آن وقت نکول میکنم این ابداً ذمه محال را بری نخواهد کرد در رجبانی وارد نمیداد و مخالف با هیچ قانونی هم نیست .

حاج امام جمعه - بنده تصور کردم که اغلب مطالب واضح است خواستم مختصر عرض کنم حالا می بینم اشتباهات بزرگ میشود لازم است تهریح کنم اینجا سه مسئله است یکی ضمان است ضمان آن است که بنده بکسی مقروض هستم دیگری میآید نزد طلب کار قبول میکند که قرض مرا ادا نماید این ضمان است و در اینجا بین فرق اسلام قدری اختلاف است که آهار دو با هم اشتغال ذمه دارند یا از ذمه مضمون عه خارج میشود و بنده ضمان تعلق میگیرد یا همان ذمه مضمون عه مشغول است معروف بین عامه آن است که ضمان و مضمون عه هر دو مساوی هستند لکن امامیه میگویند از ذمه مضمون این رفت به ذمه ضمان یک مسئله است یکی هم حواله شرعی است که آن عبارت از این است که سه نفر در یک جا جمع شوند یکی از بابت طلب خودش به یکی حواله میکند محال علیه هم قبول میکند آنوقت آن دین از ذمه آن بر می خورد به ذمه محال علیه ولی من تعجب میکنم و گمانی نداشتم که کسی تصور بکند برات تجارتی جز یکی از این اقسام است هیچ عوام این را نمی تواند تصور بکند که اگر در اقصی بلاد هندوستان حواله بدهد یکی در تهران اینکه در طهران است ذمه اش مشغول باشد چون تصور نمی کردم هیچیک چنین چیزی را تصور بکنند این بود که این را توضیح نکردم و یک کلامه هم مشیر الدوله گفت که اگر این حواله دست بدست برود که هر یک بدیگری حواله کند در این صورت دارنده حواله از هر کدام که بخواهد می تواند مطالبه کند بله اگر او یکی حواله میکند او بدیگری او بدیگری هر یک از آنها که دادند ذمه حواله کننده اولی بری خواهد شد اگر داده نشد او بر می گردد بوالی تسلط آن پول دهنده بوالی است و خیلی تحسین میکنم آنرا که آقای آقامحمد بیان کردند و اینکه گفته شد ضم ذمه بنده دیگر نمی شود این دویادی خاصه است مسئله دیگری است خارج از این موضوع .

حاج آقا - مسئله خیلی دامنه پیدا کرده و خیلی کلی شد در صورتیکه این محتاج باین قسم مذاکرات نبود بجهت اینکه این یک چیزی نبود که مخالف یک قانون باشد و رفاهت عمومی هم در آن هست معلوم است ترتیبات شرعی هم به اندازه این بیاناتیکه شد درست است و در خصوص مواجه ثلثه هم مذاکره نمیکنم بجهت اینکه این یک موضوعی است که در بین فقهاء اسلام خیلی محل گفتگو است از این جهت عرض میکنم چه در حواله شرعی مواجه ثلثه شرط باشد چه نباشد چه حواله ضمان بیاورد چه ضمان نیارد تمام این صور برات تجارتی شرعی است ولی میخواستم این را عرض کنم که آقای امام جمعه فرمودند مراد به تعدد آنست که من حواله کنم بیک کسی و آن حواله کند بکسی دیگر باز این محیل میشود در این صورت تمامشان اشتغال ذمه بداداد تمام این وجه دارنده بری ندارد باینکه اولی پول گرفته است تمام اینها پول گرفته اند چه از باب میایه باشد چه از باب گرفتن یک حقی و دادن بدیگری در هر باب که باشد اینها برات را داده اند و پول گرفته اند بدیهی است که آن کسیکه آخر واقع شده و حواله بدست است می تواند بمقابل خود رجوع کند برای اینکه این دین است و ذمه تمامشان مشغول است و من از هر کدام که بخواهم می توانم بگیرم و اشکال شرعی هم ندارد بعد از آنکه گفته شد قانون عثمانی و فرانسه در کمیسیون عدلیه هست هر کسی می خواهد ببیند اینجا رجوع کند گمان میکنم هیچ اشکالی نداشته باشد علی کل تقدیر اینهاست که مبادله کرده اند این برات را بدایند مشغول الذمه هستند و هر کدام از هر کدام وجه برات را مطالبه نمایند دیگر اسباب گفتگویی نیست مطلب خیلی واضح است تصور میکنم در اینجا این ماده بطوریکه نوشته شده بگذرد .

رئیس - این شور اول این ماده است شور ثانی هم خواهد شد حالا ده دقیقه تنفس است (رئیس حرکت کرد مجلس متفرق شد) مجدداً بعد از تنفس جلسه تشکیل شد .

منتصر السلطان - چندی قبل راپورت کمیسیون نانرا بمجلس تقدیم کردم و فرار شد که طبع و توزیع شود و طبع و توزیع هم شده است و این چون راجع است بخرج مملکتی اگر صلاح بداند رجوع کنند بکمیسیون بودجه تا از کمیسیون بگذرد و جز عدستور روز سه شنبه شود چون وزارت داخله تقاضا کرده بود که این تعیین بشود در باب آن مذاکره کنی که دولت باید بدهد .

رئیس - خیلی خوب رجوع میکنیم به کمیسیون بودجه .

راپورت کمیسیون فوائد عامه راجع بطلاشویی کرده در بابت ذیل خوانده شد .

ماده اول امتیاز طلاشویی کوه زر که برای تعدیل حدود تعیین موقع و مرکزیت آن بکمیسیون اعاده داده بودند مطرح مذاکره گردید و بطریق ذیل ماده اول در دو ماده اصلاح و موافق تشه ضمیمه راپورت تقدیم مجلس مقدس گردید .

ماده اول امتیاز طلاشویی در نقطه زمین اطراف قریه تروت بعد از ذیل بجناب آقای مرتضی قلی خان صنیع الدوله واگذار میشود از نقطه تروت

بطرف جنوب سه فرسخ از نقطه تروت بطرف شمال يك فرسخ از نقطه تروت بطرف شرق دو فرسخ از نقطه تروت بطرف مغرب دو فرسخ .

حاج سید ابراهیم - حالا که بنا شده است تجدید بکنند بهتر اینست که عدد فرسخهای مربع را هم ذکر بکنند بجهت اینکه وقتیکه ذکر میکنیم از خط مستقیم فلانقدر ممکنست مربع باشد ممکن است غیر مربع بشود خوب است که قید شود ۱۶ فرسخ مربع .

دکتر اسمعیل خان - بنده همین را میخواستم عرض کنم وقتیکه حدود معین شد فرسخش هم بالطبع معین میشود که ۱۶ فرسخ مربع خواهد بود

حاج سید ابراهیم - اگر ماضع را معین میکردیم مربعش هم معین بود اما ما حالا قطر را معین کرده ایم که بگوئیم از نقطه تروت بطرف مغرب دو فرسخ و همچنین از تروت بجنوب سه فرسخ تا شمال يك فرسخ تا مشرق دو فرسخ و این تعیین نقطه است اثبات مربع کردن نیست .

دکتر اسمعیل خان - مربع قطر ندارد دایره قطر دارد در يك مربعی وقتی که حدودش معین شد ضلعش هم معین میشود هر ضلعش چهار فرسخ در چهار فرسخ ۱۶ فرسخ است .

حاج عز الممالک - اینجا اگر چه معین شده است مربعش را هم تصریحاً قید بکنند ضرر ندارد بنویسند شانزده فرسخ مربع بطریق ذیل آنوقت حدودش هم معلوم است .

بیهجت - در خصوص خط که صحبت میکنم که يك خط ممتدی است بطرف شمال و دیگری بطرف جنوب و این هر دو خط تقاطع میکنند در يك نقطه که مثلاً تروت است آنوقت ممکن است خطی که محیط بر این سطح محیط که ما فرض کردیم که حادث میشود از تقاطع این دو خط مربع باشد و ممکن است دایره باشد و اینها بچهار زاویه که معین است محدود بشود و ما در داخل آن سطح فرض میکنم دو خط که یکی از شمال بجنوب یکی از مشرق به مغرب این چهار خط لکن آن سطحی که آن دو خط بر آن فرض شده است ممکن است آن دو خط منحنی باشند ممکن است مستقیم باشند باین واسطه سطح این دو قسم خط فرق نمیکند باین جهت باید معین بشود که سطحی که این خطوط در آن تقاطع میکنند آن سطح بطور دائره است یا در اطراف خطوط بطوری تقاطع میکنند که زوایای اربعه حاصل شود و مربع میشود

افتخار الواعظین - خیلی خوب است مباحثات آن منجر شود بطلاشویی کوه زر و منجر به مباحثات هندسی نباشد و شاید بنده هم از هندسات بی اطلاع نباشم چون آنروز گفته شد که اطراف و جهات اربعه در حوزه این امتیاز معین نیست نمیتوان در این خصوص رأی داد رئیس کمیسیون فوائد عامه آنروز متقبل شدند که از روی نقشه معین کنند و حالا معین کرده اند خوب است و رایورت آن را از روی نقشه داده اند خوب است مباحثاتی که می کنیم در ذیل همین ماده امتیاز نامه بکنیم و منجر بحساب و علم هندسه نشود .

آقامیرزا ابراهیم خان - اینجا بنده مجبورم تکرار کنم این مسئله را که مادر يك موضوعی حرف میزنیم که چه از آن اراضی يك فرسخ معین کنیم

چه ده فرسخ چه بیشتر بهیچوجه من الوجوه نه برای دولت اسباب ضرر است نه برای ملت اسباب ندامت بلکه برای صاحب امتیاز بطوریکه خواسته است از این راه يك فایده ای برده باشد می تواند برای او فایده بهره داشته باشد پیشنهادی که از طرف خود آقای صنایع الدوله شده بود اگر چه پیش از این بطبع رسیده بود و به آقایان محترم هم داده شد در آن پیشنهاد می گوید خواهند امتیاز باو اجازه داده شود که در این اراضی تا هر اندازه که خاکه طلا در آن پیدا شود و ممکن است طلاشویی شود باو اجازه داده شود چنانچه نسخه خط آقای صنایع الدوله میگوید .

ماده ۱ محل امتیاز اراضی معروف بکوه زر است - بهر وسعتی که علامت طلا در آن یافت شود و اگر صاحب امتیاز در اراضی آن حول وحوش زمینهای دیگری که دارای طلا باشد منکشف نماید آن اراضی هم داخل در آن امتیاز خواهد بود این اراضی چنانچه همه می دانیم عبارت است از يك کوپریکه بدون سکنه بدون آب بدون آبادی بدون هیچ قسم اسباب کاریا اسباب سکونتی که خواهند این امتیاز ناچار است که مقدمتاً بمبالغ گزافی آنجا خرج کنند تا اینکه اسبابی را که در نظر بتوانند آنجا کار بکنند فراهم بیارند باوجود این وقتیکه اوجمبور شد که در يك همچو جائی يك همچو اداره ای تأسیس بکنند ما می اورا محدود میکنیم که هیچ نتواند در آن حدودی که ما باو می دهیم مقصودش حاصل شود یعنی در آن حدودیکه ما تعیین و امتیاز می دهیم ممکن است هیچ طلا در آن حدود پیدا نشود چه کند آنوقت خواهند این امتیاز دوباره باید تحصیل اجازه بکنند یا اینکه بالمره تمام مخارجی که کرده است از میانه برود و متضرر شود پس بنده نظر بآن وظیفه خودم که باید حفظ حقوق و فوائد موکلین خودم را کرده باشم می بینم که اگر این امتیاز همان طوریکه خواهند آن تقاضا کرده است باو داده شود ضرری بهیچ جا در اساس حقوق مملکتی وارد نخواهد شد که موافق همین ماده که پیشنهاد کرده باو اجازه داده شود در اراضی که طلا یافت می شود نه در اراضی که ما ندانسته از روی خیال باو اجازه می دهیم پس بنده تکرار می کنم همین ماده اول را که اجازه داده شود بصاحب امتیاز که در اراضی که طلا یافت می شود او اجازه دارد طلاشویی کند که فایده برده باشد و کرانه می ترسم در این حدودیکه ما معین می کنیم هیچ طلا پیدا نشود و از تمام این زحمات هیچ بهره ای نتواند عاید نماید .

وزیر مالیه - در باب این دوایر نلته که دایر است و حقوقی که دریافت می کنند بنده تقاضائی کرده ام و پیشنهاد می کنم فوریت آن را و دیگری اینکه بعد از جلسه علمی يك جلسه خصوصی هم تقاضای کنم از برای اینکه يك مطلبی دارم

رئیس - عده برای رأی گرفتن کافی نیست **منتصر السلطان** - پس این باید بماند و چه باید کرد و تکلیف مجلس چه می شود تقریباً هفتاد نفر نمایندگان بواسطه دوسه نفر معطل بمانند و این مسائلی هم که آقای آقامیرزا ابراهیم خان فرمودند اگر بماده دهم نظر می کردند میدیدند که تماماً در آن ماده هفتم ذکر شده است

که کوپرم گزی که شصت فرسخ در جهل فرسخ است اجازه باو داده شده است که تعیین کنند و هر چه کشف کردند امتیاز داده شود و همچنین آن معلی که فرمودند در حضور خود آقای صنایع الدوله سابق در کمیسیون مذاکرات شد که صورت مذاکرات جلسات در کمیسیون حاضر است که تماماً بعد از مذاکرات وقت صحیح این محل انتخاب شده است و این انتخاب شده خود آقای صنایع الدوله است و نقشه آنرا هم کشیده و بتمام نمایندگان تقدیم شده است و خوب است تکلیفی معین کنند برای نمایندگان که این قسم وقت مجلس تلف نشود مثل امروز که هیچ قسم مذاکره نتوانستیم بکنیم .

رئیس - چون عده کافی شده است رأی میگیریم .

دکتر رضا خان - فرسنگ مبهم است .

ارباب کیخسرو - از برای آنکه اسباب اشکال نشود تقاضا میکنم مخبر کمیسیون معین کنند فرسخ چند هزار ذرعی .

منتصر السلطان - فرسخ شش هزار ذرعی است هر ذرعی شانزده گره .

بیهجت - اگر این امتیاز طلاشویی بآنطوری که آقای میرزا ابراهیم خان فرمودند بصاحب امتیاز داده شود بنده عرضی ندارم اما اگر بنا شود که يك قطعه مخصوصی باشد باین حدود معین نمی شود و حد هم خطوط مسمی الیه سطح است لا اقل باید بفهمیم که چند فرسخ مضروب است یا چند میل است که میزانی باشد ما حد این سطح را فرض نکردیم که بر آن خطوط معینی باشد حدودش آنجائی که منتهی بزویا باشد اگر خطوط مستقیمه بر آن احاطه کنند والا همان منحنیه دایره است باین طریق که اینجا ذکر شد محدود نمی شود و اگر محدود نشود فایده ندارد این است که اگر کسی دیگر امتیاز بگیرد ما این او و آقای صنایع الدوله نزاع میشود ناچار حد این سطح را باید معین کرد .

دکتر اسمعیل خان - بنده تقاضا میکنم که در آخر ماده نوشته شود که سطح اراضی حوزه ۱۶ فرسخ ۶ هزار ذرعی مربع خواهد بود .

ماده مزبوره مجدداً با اصلاح باین عبارت قرائت شد .

ماده اول - امتیاز طلاشویی در قطعه زمین اطراف قریه تروت بحدود ذیل بجناب آقای مرتضی قلیخان صنایع الدوله واگذار میشود .

از نقطه تروت بطرف جنوب سه فرسخ .
از نقطه تروت بطرف شمال يك فرسخ .
از نقطه تروت بطرف شرق دو فرسخ .
از نقطه تروت بطرف غرب دو فرسخ .
که سطح اراضی حوزه امتیاز ۱۶ فرسخ خواهد بود که هر فرسخی شش هزار ذرع است .
رئیس - رأی میگیریم بر ماده اول بطریقیکه خواننده شد کسانی که موافقت قیام نمایند .
(اغلب قیام نمودند و با کثرت تصویب شد)
ماده ۲ - مدت این امتیاز برای سی سال شمسی است .

معاون وزارت فوائد عامه - درخصوص مدت امتیاز گمان میکنم که کمیسیون چندان تأمل نکردند بجهت اینکه مدت امتیازات باید نسبت به اهمیت امتیاز و سرمایه امتیاز باشد شاید در کمیسیون تصور کرده اند که امتیاز چیزی است بوضعی که تا بحال داده شده است و برای آن سی سال فرض کرده است و بنده عرض میکنم بمناسبت این امتیاز که خیلی خرج دارد و مخارج آن خیلی خیلی گزاف تر از آن چیزی است که ملاحظه کرده اند و از قراریکه معلوم و تحقیق شده است معلوم میشود طلاشویی در ده ذرع زیر زمین است و برای اینکار ماشینها و اسبابها و ادوات زیاد لازم دارد و گمان میکنم سی سال از برای این مخارج کفایت نمیکند و زحمت او بامدت امتیازش مناسبت صحیحی ندارد و غالب مدتهاستیکه برای این کارهای عمده است و غالباً دیده ایم ۹۹ سال خواهند بود که بخارجها داده اند و همین اندازه ها کمتر نیست و در این موقع که صاحب امتیاز داخلی است اگر این مراعات نشود گمان میکنم يك استثنای فوق العاده نشده است و يك ضرری هم بدولت و ملت زده نشده است که يك کسی که کار بکنند از سرمایه و عایدی خودش يك مقداری بکار بیندازد بر فرض اگر این نباشد کسی دیگر خواهد بود و بازم شرایط را اضافه بر این چیز قبول نخواهد کرد منتهی تا آخر این مدت صاحب امتیاز میتواند تا هر اندازه که سرمایه لازم شود بکار بیندازد و هیچ دغدغه از برای اینکه این مدت کم است و این سرمایه را اگر بکار بیندازد هدر خواهد گرفت باین واسطه تقاضا میکنم تأملی بفرمائید در مدت اقل همان چیزی را که صاحب امتیاز خودش خواسته همانطور باشد یا يك مدتی که تقریباً نزدیک بآن مدت باشد .

منتصر السلطان - در کمیسیون این فقره خیلی مطرح مذاکره بود و کمیسیون بعد از مذاکرات و مباحثات زیاد ۳ سال تصویب کرد و نظریات کمیسیون این بود که صاحب امتیاز در این مدت بهره ای پیدا میکند یا نمیکند اگر بهره ای پیدا نکند و منتفع نشود علتش چیست که ۹۹ سال مدت قرار میدهد و اگر بهره داشته باشد با تساوی شروط ایشان حق تقدم دارند بر دیگران و اگر صدی يك یا صدی دو هم تفاوت داشته باشد تساوی شروط باشد باز ایشان بر دیگران حق تقدم خواهند داشت و الا در سر ۳۰ سال اضافه کردن در حقوق دولتی چه ضرر دارد دولت و اگر بکنند باو در این مدت و اگر فایده کرد با تساوی شروط باز حق تقدم خواهد داشت .

حاج شیخ اسدالله - بنده مخالفم با آقای معاون هم با آقای مخبر این اندازه را هم زیاد میدانم هر چه ما بتوانیم در خصوص این قبیل امتیازات مدت را کمتر قرار بدهیم صرفه دولت بیشتر خواهد بود و اگر نباشد که نتیجه حاصل شود گمان میکنم که بیش از این ضرری عاید او نباید بشود و آن اندازه زیاد است اگر ده سال تصویب کردند چه بهتر و الا ۲۰ سال بیشتر را بنده تصویب نمیکنم .

منتصر السلطان - در این مسئله که ده سال یا بیست سال فرمودند این را بنده رد میکنم بجهت اینکه مبلغ زیادی باید اسباب و لوازم اینکار را تهیه کند و

مبلغ زیادی پول به مصرف برساند برای ده سال و بیست سال کسی نمی تواند داخل در يك همچو کاری بشود و باین جهت بنده تقاضا میکنم که رأی گرفته شود

رئیس - رأی میگیریم بر ماده دوم امتیاز طلاشویی کوه زر موافق راپورت کمیسیون که این مدت را تصویب کرده است بطریقی که خواننده شد کسانیکه موافقت قیام نمایند . (اغلب قیام نمودند و به اکثریت تصویب شد)

رئیس - چون آقای وزیر مالیه تقاضای جلسه خصوصی کرده اند حالا مجلس خصوصی میشود **کاشف -** چوی اعضای کمیسیون فوائد عامه با اجازه و بی اجازه غائب شده اند وعده برای مذاکره کافی نیست خوب است در جلسه آتی بجای آنها انتخاب شود که سایر اعضای کمیسیون بجهت کمی عده معطل نمانند .

دکتر امیر خان - آقای حاج فاتح الملک که در کمیسیون نظام عضویت داشتند و استعفاء از نمایندگی داده اند خوب است یک نفر در جلسه آتی بجای ایشان برای کمیسیون نظام منتخب شود .

رئیس - دستور جلسه آتی - شور در بقیه امتیاز طلاشویی کوه زر - شور ثانی در تشکیلات اداری فوائد عامه و بقیه آنچه که در دستور باقی مانده راپورت کمیسیون بودجه راجع به مستمری و رتبه مرحوم قاضی و مرحوم حامد الملک .

(مجلس سه ربع از شب گذشته خصوصی شد)

جلسه ۱۸۵

صورت مذاکرات روز سه شنبه شهر

ذی حجة الحرام ۱۳۲۸

مجلس در ساعت قبل از غروب آفتاب بر ریاست آقای ذکاء الملک تشکیل شد .

صورت جلسه روز شنبه سلخ را آقای معاضد الملک قرائت نمود .

غائبین جلسه قبل - سیه دار اعظم - سردار اسعد بی اجازه - آقا شیخ رضا - ممتاز الدوله - حاجی وکیل الرعایا - حاج محمد کریمخان - لواء الدوله با اجازه غائب بودند .

وحید الملک - آقا شیخ حسین بزدی - دکتر امیرخان - مستشار الدوله - تربیت - معاضد السلطنه - دکتر اسمعیل خان - آقا میرزا اسدالله خان - شیانی - آقا سید حسین اردبیلی - معزز الملک - آدینه محمد خان - افتخار الواعظین - حاج آقا - دهخدا آقا سید محمد باقر ادیب - آقا محمد بروجردی نیر السلطان - حاج شیخ اسدالله - مشیر الدوله در موقع مقرر حاضر نشده اند .

رئیس - در باب صورت مجلس ملاحظاتی هست بفرمائید .

حاجی سید ابراهیم - در جلسات سابق قضیه تجزیه بلوچ از کرمان جزء دستور بود و در اینجا جزء دستور نفرمودند (چون دیگر مذاکراتی نشد رئیس صورت مجلس را امضاء نمود)

لایحه وزارت مالیه بعبارت ذیل قرائت شد چون وصول مالیاتهاستیکه با اسم دوائر ثلاث دولت از ابتدای عصر حاضر مشروطیت از رعایا اخذ می-

نماید اسباب تکدر و انزجار خاطر اهالی شده و از طرف دیگر برای مخارج امنیه و نظمیة ناچار است محلی تهیه کند که تا درجه ای کسر بودجه مرمت و اصلاح شود و وزارت مالیه تصور میکند مالیات قیام که تا درجه ای اخذ آن بیشتر از سایر مالیات ها اسباب زحمت رعایا را فراهم آورده و علاوه وصول آن مشکل است و مخارج اداری آن زیاد و كذلك مالیات رسومات که بملاحظات وزارت مالیه اخذ آنها را صلاح نمیداند از ابتدای وضع این قانون موقوف و در مقابل بملاحظه جبران کسری که از این راه عاید بودجه مملکت میشود بمالیات تریاک افزوده گردد یعنی بعضی مثقالی ۳ شاهی من بعد مثقالی سیصد دینار اخذ شود اگر چه این افزایش بکلی جبران کسر بودجه که از راه موقوف کردن عایدات قیام و رسومات می شود نمیکند ولی در مقابل اسكات خاطر اهالی ترقیه حال رعایا را کاملاً جبران می نماید و از برای انجام این مقصود مواد ذیل را وزارت مالیه مصمم است پس از تصویب آن هیئت محترم به مجلس شورای ملی تقدیم نماید .

(۱) - از ابتدای وضع این قانون حاضر مالیاتی که با اسم قیام و رسومات از ابتدای مشروطیت حاضره دولت اخذ میشود موقوف خواهد بود .

(۲) - آنچه سابقاً با اسم مالیات خانان و قیانداری دولت اخذ میکرد و جمع مالیات بود کما فی السابق باید وزارت مالیه دریافت نماید .

(۳) - بهر منقالت تریاک و شیره دولت من بعد مثقالی سیصد دینار مالیات اخذ میکند .

(۴) - تریاکی که از مملکت بعنوان تجارت خارج میشود از ادای مالیات معاف است .

(۵) - وزارت مالیه از برای انجام این کار يك اداره مرکزی تأسیس میکند .

(۶) - برای اجرای این قانون و جلوگیری از قاچاق وزارت مالیه نظامنامه مخصوصی باید تدوین و اجرا نماید .

رئیس - این لایحه قانونی رجوع میشود بکمیسیون قوانین مالیه که نظرات خودشان را در این باب بکنند و خواهش میکنم از آن کمیسیون که زود تر راپورت بدهند .

ارباب گیخسرو - بنده میخواستم عرض کنم که خیلی باید متشکر باشیم از وزیر مالیه که چنین چیزی را پیشنهاد کرده اند ضمناً خواستم عرض کنم که این مسئله خیلی اسباب زحمت شده است و فوریت دارد و هر چه زودتر این مسئله از کمیسیون قوانین مالیه بگذرد که اسباب رفاهیت مردم خواهد بود .

رئیس - در جلسه قبل آقای وزیر مالیه که این لایحه را پیشنهاد کردند فوریت آنرا هم تقاضا کردند در فوریت آنهم باید رأی گرفت و گمان میکنم که بهتر آن است وقتی که از کمیسیون برگشت آنوقت رأی بفوریت آن بگیریم .

آقای میرزا ابراهیم خان - بنده بطور کلی موافقم با آقای ارباب و متشکر از وزیر مالیه که کلیه وجوهیکه از بابت این سه فقره گرفته شده است